

www.al-milani.com

سلسله پژوهش های اعتقادی

(۲۶)

تحریم دو حکم حلال

بررسی و نقد حکم تحریم متعه حج و ازدواج موقت

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست نگاشته ها

سرآغاز... ۹

پیش گفتار... ۱۷

بخش یکم

متعّه حج ... ۱۹

متعّه حج چیست؟ ... ۲۱

تحریم دو متعّه و موضع گیری حضرت علی علیه السلام ... ۲۲

تحریم دو متعّه و موضع گیری بزرگان صحابه ... ۲۴

ابن عباس ... ۲۴

سعد بن ابی وقاص ... ۲۵

ابوموسی اشعری ... ۲۵

جابر بن عبدالله انصاری ... ۲۶

عبدالله بن عمر ... ۲۷

عمران بن حصین ... ۲۸

دفاع ابن تیمیه و اعتراف او به اشتباه ... ۳۰

بخش دوم

ازدواج موقت ... ۳۵

ازدواج موقت چیست؟ ... ۳۷

ادله ازدواج موقت ... ۳۸

ازدواج موقت و دلیل قرآنی ... ۳۸

ازدواج موقت از دیدگاه سنت ... ۴۰

ازدواج موقت و اجماع ... ۴۱

عمر و حرام کردن ازدواج موقت ... ۴۲

تحریم ازدواج موقت و موضع گیری حضرت علی علیه السلام و بزرگان صحابه ... ۴۸

- دفاع از عمر و توجیه گفتار او... ۵۱
- سه دیدگاه متفاوت ۵۱...
- نقد دیدگاه یکم ۵۴...
- نقد دیدگاه سوم ۵۵...
- نقد دیدگاه دوم ۶۰...
- روایت تحریم ازدواج موقت در سال فتح مکه ۶۲...
- روایت تحریم ازدواج موقت در جنگ تبوك... ۶۳
- روایت تحریم ازدواج موقت در جنگ حنین ۶۴...
- روایت تحریم ازدواج موقت در جنگ خیبر... ۶۴
- نقد‌های مشترك... ۶۷
- بررسی و نقد تحریم در فتح مکه ۶۹...
- بررسی و نقد تحریم در جنگ حنین... ۷۰
- بررسی و نقد تحریم در جنگ تبوك... ۷۱
- بررسی و نقد تحریم در جنگ خیبر... ۷۳
- تناقض روایات در زمان تحریم ۷۴...
- راویان اهل سنت و به بازی گرفتن متن حدیث خیبر ۷۸...
- چند نکته درباره دلالت حدیث خیبر ۸۰...
- چند نکته پیرامون روایت های نقل شده از حضرت علی علیه السلام... ۸۵
- زهری راوی دروغین و نگاهی به شرح حال او ۸۷...
- نتیجه بحث در ازدواج موقت ۸۸...
- کتاب نامه ۹۱...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرآغاز

. . . آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای متّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، — با توطئه هایی از پیش مهیا شده — مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را — که همچون آفتاب جهان تاب بود — پشت ابرهای سیاه شكّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُرّبار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پرفروز می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند... .

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندان که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر و الامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیة الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

تحریم دو حکم حلال

عمر بن خطاب:

در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو متعه حلال و معمول بوده و من آن دو متعه را ممنوع می کنم و انجام دهندگان آن ها را مجازات می نمایم؛ متعه حج و متعه زنان.^۱

۱ . ر.ك: ص ۴۳ از همین کتاب.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله
الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

در برنامه های دین مبین اسلام، دو متعه داریم؛ یکی در حج تعبیر می شود و دیگری به ازدواج موقت. علما و دانشمندان اسلام از دیرباز درباره این دو موضوع به طور جدّ از جوانب مختلف بحث کرده و همواره مدّ نظر ایشان بوده است. پیشینیان از علما و علمای متأخر نیز در این باره کتاب های بسیاری نگاشته اند و هر يك از زاویه ای به این موضوع پرداخته اند.

برخی محدثان در این باره حدیثی را از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت کرده اند که آن حضرت ازدواج موقت با زنان را حرام کرده است. از این رو در این نوشتار کوتاه به بررسی این موضوع و واکاوی آن می پردازیم. بیشتر این احادیث را بخاری و مسلم از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیهما السلام نقل نموده اند.

برای نمونه مسلم نیشابوری در صحیح خود این گونه نقل می کند:

وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام می شنوند که ابن عباس به جواز متعه قائل است، به وی خطاب می کنند: همانا تو مردی فراموش کار هستی، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در جنگ خیبر ما را از ازدواج موقت نهی کردند.

این احادیث، ساختگی و جعلی هستند و هر انسان منصفی که در سندها و دلالت های آن ها ژرف اندیشی کند و منصفانه قضاوت نماید، به این امر اذعان خواهد کرد.

کتابی که پیش رو دارید با محوریت دیدگاه های دانشمندان بزرگ و قابل اعتماد اهل سنت به بحث و بررسی در سند این احادیث پرداخته است. هم چنین بخش های اصلی آن ها را مورد ارزیابی قرار داده و متن های آن ها را با یک دیگر مقایسه کرده تا حقیقت آن احادیث آشکار شود. این بررسی ها در دو بخش ساماندهی شده است:

بخش یکم: متعه حج

بخش دوم: ازدواج موقت

از خداوند بزرگ خواستارم این بحث مورد استفاده عالمان و پژوهش گران واقع شود که توفیق از خداوند متعال است.

پیش گفتار

بین مسلمانان هیچ گونه اختلافی نیست که در قرآن کریم آیاتی درباره متعه حج و ازدواج موقت نازل شده است. خداوند درباره متعه حج می فرماید:

(... فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...)^۱

... پس هر کس از اعمال عمره به حج پرداخت، باید آن چه از قربانی میسر است قربانی کند و آن کس که قربانی نیافت باید در هنگام حج، سه روز، روزه بدارد و چون برگشتید هفت روز دیگر روزه بدارید، این ده روز تمام است. این حج تمتع برای کسی است که اهل مسجد الحرام و شهر مکه نباشد... .

خداوند درباره متعه زنان و ازدواج موقت نیز چنین می فرماید:

(... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ...)^۲

... و زنان را که ازدواج موقت می نمایید واجب است مهرشان را بپردازید و گناهی بر شما نیست که پس از تعیین مهر، با يك دیگر توافق کنید (که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد نمایید)... .

روشن است که مسلمانان نیز طبق این آیه ها عمل می کردند تا این که عمر بن خطاب، پس از گذشت مدتی از خلافتش چنین گفت:

در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله دو متعه حلال و معمول بوده و من آن ها را ممنوع می کنم و انجام دهنده آن ها را مجازات می نمایم.

بدین سان میان مسلمانان اختلاف به وجود آمد. پیروان عمر که سخنان او را از اصول برمی شمردند، برای توجیه این گفته او سرگردان شدند؛ چرا که وی به صراحت اعلام می کند نظر او بر خلاف دستور شارع است؛ خداوند فرموده ... اما من می گویم... .

۱ . سوره بقره: آیه ۱۹۶ .

۲ . سوره نساء: آیه ۲۴ .

بخش یکم
متعه حج

متعّه حج چیست؟

منظور از متعه حج این است که انسان در ماه های حج به قصد انجام حج تمتّع از میقات، لباس احرام بپوشد، سپس به خانه خدا بیاید و طواف کند و پس از سعی بین صفا و مروه، تقصیر نماید^۱ و از احرام درآید. آن گاه در همان سفر، دوباره از مکه لباس احرام بپوشد و مُحْرِم شود؛ هر چند بهتر است که از مسجد الحرام مُحْرِم شود. سپس به سوی عرفات و مشعر الحرام برود و اعمال حج را تا پایان به جای آورد.

با این اقدام، حج تمتّع و عمره آن را انجام داده است. واژه «متعّه» به معنای بهره و لذّت بردن است. از آن جا که در این نوع حج، انجام امور ممنوع در حال احرام و لذّت بردن ها، در فاصله زمانی میان دو احرام مباح می شود، از آن به متعه حج یاد می شود.

تحریم دو متعه و موضع گیری حضرت علی علیه السلام

آن گاه که عمر بن خطاب دو حکم حلال خدا را تحریم کرد امیر مؤمنان علی علیه السلام؛ آن پاسدار شریعت پاک و حامی سنت گرامی پیامبر در برابر آن موضع گیری کردند.

در این زمینه احمد بن حنبل و مسلم نیشابوری روایاتی را نقل کرده اند؛ بنابر نقل احمد، عبدالله بن شقیق گوید: عثمان از متعه منع می کرد و علی علیه السلام به انجام آن دستور می داد. عثمان به علی علیه السلام گفت: تو چنین و چنان هستی.^۲

علی علیه السلام فرمود: تو نیک می دانی که ما در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به همراه ایشان متعه می نمودیم.

عثمان پاسخ داد: بلی، اما هراسان بودیم.^۳

۱ . تقصیر: گرفتن مقداری از موی سر یا ریش یا ناخن را می گویند.

۲ . در این روایت، راویان، گفته های خلیفه سوم عثمان با حضرت علی علیه السلام را نیاورده اند؛ بلکه به صورت مبهم نقل کرده اند؛ همان گونه که پاسخ حضرت علی علیه السلام به گفته عثمان را نیز نقل نکرده اند. در برخی از روایات آمده است: «عثمان به علی علیه السلام سخنی گفت».

۳ . مسند احمد: ۱ / ۱۵۶، مسند علی بن ابی طالب، حدیث ۷۵۸.

در روایت دیگر سعید بن مسیب می گوید:

روزی علی علیه السلام و عثمان در منطقه ای به نام «عسفان» گرد آمدند. عثمان از ازدواج موقت و متعه حج منع می کرد؛ علی علیه السلام به او فرمود: چرا از امری که رسول خدا صلی الله علیه وآله انجام داده مردم را منع می کنی؟! عثمان گفت: بگذار به حال خودمان باشیم.^۱

در روایت دیگری مروان بن حکم می گوید: عثمان و علی علیه السلام را دیدم در حالی که عثمان از متعه حج یعنی جمع میان عمره و حج، منع می کرد. هنگامی که علی علیه السلام او را دید با صدای بلند به عمره و حج تمتع لبیک می گفت و می فرمود:

ما كنت لأدع سنة النبي صلى الله عليه وآله لقول أحد؛^۲

هیچ گاه سنت پیامبر صلی الله علیه وآله را به جهت سخن کسی رها نخواهم کرد.

تحریم دو متعه و موضع گیری بزرگان صحابه

بزرگان صحابه نیز دیدگاه حضرت علی علیه السلام را تأیید کرده اند که اینک به چند تن از آنان اشاره می نمایم:

ابن عباس

یکی از اصحابی که دیدگاه عمر را رد کرده، ابن عباس است.

احمد بن حنبل در مسند خود این گونه نقل می کند:

روزی ابن عباس گفت: پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله متعه حج را انجام دادند.

عروه بن زبیر گفت: ابوبکر و عمر متعه حج را منع کردند.

ابن عباس ضمن تحقیر او گفت: عروه کوچک چه می گوید؟

عروه گفت: می گویم: ابوبکر و عمر متعه حج را منع کردند.

ابن عباس پاسخ داد: من آنان را هلاک شده می بینم. من می گویم: پیامبر صلی الله علیه وآله این گونه گفته است، او

می گوید: ابوبکر و عمر مردم را از این حکم باز داشتند!^۳

۱. صحیح بخاری: ۲ / ۵۶۹، کتاب حج، باب «التمتع والإقراان والإفراد بالحج»، حدیث ۱۴۹۴، صحیح مسلم: ۳ / ۶۸، کتاب حج، باب «جواز

التمتع»، حدیث ۱۲۲۳، مسند احمد: ۱ / ۲۲۰، مسند علی بن ابی طالب، حدیث ۱۱۵۰.

۲. صحیح بخاری: ۲ / ۵۶۷، کتاب حج باب «التمتع والإقراان والإفراد بالحج»، حدیث ۱۴۸۸، مسند احمد: ۱ / ۱۵۳، مسند علی بن ابی طالب، حدیث ۷۳۵.

۳. مسند احمد: ۱ / ۵۵۴، مسند عبدالله بن عباس، حدیث ۳۱۱۱.

سعد بن ابی وقاص

سعد بن ابی وقاص نیز نظر عمر را نپذیرفته است. ترمذی در سنن خود چنین می نگارد:

محمد بن عبدالله بن حارث بن نوفل می گوید:

سعد بن ابی وقاص و ضحاک بن قیس درباره متعه حج سخن می گفتند، ضحاک بن قیس گفت: هیچ شخصی جز

آن که به شرع و حدود خداوند جاهل است این کار (متعه حج) را انجام نمی دهد.

سعد گفت: چه بد گفتی ای برادرزاده؟

ضحاک گفت: عمر بن خطاب از این عمل منع کرده است.

سعد پاسخ داد: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله این عمل را انجام داده است و ما به پیروی از ایشان انجام داده ایم.

ترمذی پس از نقل این روایت می گوید: سند این حدیث، صحیح است.^۱

ابوموسی اشعری

صحابی دیگری که از دیدگاه عمر سرباز زده، ابوموسی اشعری است. احمد بن حنبل در مسند خویش می گوید:

ابوموسی همواره به جواز متعه حج فتوا می داد. روزی مردی به او گفت: در پاره ای از فتواها تجدید نظر کن؛ زیرا

تو نمی دانی که امیرالمؤمنین عمر درباره مناسک حج فتوایی تازه داده است!

بعد از آن ابوموسی، با عمر ملاقات کرد و از او درباره این مسئله پرسید.

عمر پاسخ داد: می دانم که پیامبر صلی الله علیه وآله آن را انجام داده و صحابه نیز به پیروی از او انجام داده اند، اما من

دوست نداشتم که مسلمانان (از متعه حج خارج شوند و) زیر همین درختان اراک^۲ با زنان هم بستر شوند، سپس با سرها

و موهای خیس به حج بیایند.^۳

جابر بن عبدالله انصاری

جابر بن عبدالله انصاری نیز از صحابی مخالف دیدگاه عمر درباره متعه حج است. مسلم در صحیح خود و دیگران

چنین نقل می کنند:

ابی نضره می گوید: ابن عباس همواره به جواز متعه حج حکم می کرد. اما ابن زبیر از این کار باز می داشت. این

مسئله را نزد جابر بن عبدالله انصاری بازگو کردم.

جابر پاسخ داد: احادیث به دست من در بین مردم دایر و شایع شده است. ما به پیروی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله

متعه حج را انجام می دادیم؛ ولی هنگامی که عمر به خلافت رسید گفت: خداوند هر چه را که می خواست، برای

۱. سنن ترمذی: ۲ / ۲۲۴، کتاب حج، باب «احکام تمتع»، حدیث ۸۲۴.

۲. اراک، درختی است که در مناطق بیابانی می روید. این درخت که در گذشته، اعراب از شاخه های آن مسواک درست می کردند، تقریباً شبیه درخت انار و در سراسر سال سرسبز است.

۳. مسند احمد: ۱ / ۸۱، مسند عمر بن خطاب، حدیث ۳۵۳.

پیامبرش حلال می نمود، قرآن نیز در جایگاه خود نازل شده است؛ اما اکنون حج را از عمره (متعّه حج) جدا کنید و ازدواج موقت با زنان را نیز کنار بگذارید؛ زیرا من هر مردی را که بدانم با زنی ازدواج موقت کرده، سنگسار خواهم کرد.^۱

عبدالله بن عمر

عبدالله پسر عمر بن خطاب نیز با حکم پدرش مخالفت کرده است. ترمذی می گوید: از عبدالله بن عمر در مورد متعّه حج سؤال شد.

عبدالله در پاسخ گفت: متعّه حج حلال است.

پرسش گر گفت: پدرت آن را منع کرده بود؟

عبدالله گفت: اگر پدرم منع کرده باشد و رسول خدا صلی الله علیه وآله جایز دانسته، آیا فرمان پدرم قابل پیروی است یا فرمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله؟

آن مرد گفت: البته فرمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله.

عبدالله بن عمر گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله خود این عمل را انجام داده بود.^۲

عمران بن حصین

بنابر نقل ابن عبدالبرّ در کتاب الاستیعاب و ابن حجر عسقلانی در کتاب الإصابه، عمران بن حصین از بزرگان صحابه و فقها بوده است.^۳

وی حتی در واپسین روزهای بیماری خود که به مرگش انجامید به شدت از دیدگاه عمر انتقاد می نمود. مسلم روایتی را این گونه نقل می کند:

مطرف می گوید: عمران بن حصین در دوران بیماریش که به مرگ وی انجامید، مرا خواست و گفت: من سخنی چند به تو می گویم چه بسا که خداوند آن ها را برایت سودمند قرار دهد. اگر من زنده ماندم این سخنان را پیش کسی بازگو مکن!^۴ ولی اگر از دنیا رفتم، به دلخواه خود عمل کن.

۱. صحیح مسلم: ۳ / ۵۶، کتاب حج، باب «المتعّه بالحج والعمره»، حدیث: ۱۲۱۷ و پس از آن.

۲. سنن ترمذی: ۲ / ۲۲۴، کتاب حج، باب «ما جاء فی التمتع»، حدیث ۸۲۵.

۳. الاستیعاب: ۳ / ۲۸۴، الإصابه: ۴ / ۵۸۴. گفتنی است که ابن قیم در کتاب زاد المعاد فی هدی خیر العباد می گوید:

عمران بن حصین از عثمان والاتر است. برخی می گویند: عمران فرشتگان را می دید و به وی سلام می نمودند؛ همان گونه که خود نیز به این امر

اشاره می کند و می گوید: «همانا بر من درود فرستاده شد». وی در سال ۵۲ هجری در بصره درگذشت.

۴. ملاحظه کنید تقیه تا کجا رسیده بود؟

آن گاه گفت: فرشتگان به من سلام و درود فرستادند و بدان که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله میان حج و متعه آن را جمع کرد و در این باره آیه ای در کتاب خدا نازل نشد و رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز از این کار نمی فرمود؛ ولی مردی آمد و حکمی از خود ساخته را صادر کرد.^۱

نووی در شرح روایاتی که حاکی از انکار عمران بن حصین در این موضوع است، می نویسد: تمامی این روایات بر این امر اتفاق نظر دارند که منظور عمران این بوده که متعه در حج و نیز حج قرآن^۲ هر دو جایز هستند. هم چنین این روایت به روشنی بیان گر اعتراض عمران به فتوای عمر درباره متعه حج است.^۳

دفاع ابن تیمیه و اعتراف او به اشتباه

ابن تیمیه، شیخ الاسلام اهل سنت نیز در این باره اظهار نظر کرده است. وی در دفاع از دیدگاه عمر زبان به توجیه می گشاید و می گوید: «عمر می خواست به عمل بهتر، دستور دهد».

آن گاه ابن تیمیه سخنان پسر عمر را به عنوان شاهد ادعای خود می آورد و می گوید: عبدالله پسر عمر متعه را جایز می دانست. به او گفتند: پدرت متعه را منع کرده بود.

ابن عمر پاسخ داد: منظور پدرم با آن چه شما می گوئید، تفاوت دارد.

خلاصه سخن ابن تیمیه همان است که سرانجام می گوید: این نمی، اختیاری بود، نه تحریمی. عمر نگفته که من این دو متعه را حرام می کنم.^۴

به نظر ما این توجیه ابن تیمیه که «منظور عمر دستور دادن به حکم بهتر بوده»، پذیرفته نیست و باطل است.

از سوی دیگر ابن تیمیه سخنانی را به پسر عمر نسبت داده که بر خلاف مطالبی است که در کتاب های اهل سنت از پسر عمر نقل گردیده است. ابن کنثر می گوید: عبدالله با پدرش مخالفت می کرد تا آن که به او گفتند: همانا که پدرت از (متعه) منع می کرد!

وی پاسخ داد: می ترسم که خداوند از آسمان بر شما سنگ نازل کند! رسول خدا صلی الله علیه وآله این عمل را انجام داده است، آیا از سنت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله باید پیروی کرد یا از سنت عمر بن خطاب؟!^۵

نکته مهم در سخن ابن تیمیه همان انکار گفتار عمر است که می گوید: «و من آن دو متعه را حرام می کنم».^۱

۱. صحیح مسلم: ۳ / ۷۰، کتاب حج، باب «جواز تمتع»، ذیل حدیث ۱۲۳۶، و در همین باب از صحیح بخاری: ۲ / ۵۶۹؛ کتاب حج، باب «تمتع»، حدیث ۱۴۹۶، سنن ابن ماجه: ۴ / ۴۵۴، کتاب مناسک، باب «التمتع بالعمرة إلى الحج»، حدیث ۲۹۷۸، مسند احمد: ۵ / ۱۵۹، ۶۰۰ / ۵، حدیث عمران بن حصین، حدیث ۱۹۳۹۴.

۲. حج قرآن یکی از انواع حج است؛ کسانی که محل زندگی آن ها تا مسجد الحرام بیشتر از ۱۶ فرسخ نباشد، این حج را انجام می دهند.

۳. المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۸ / ۱۶۸.

۴. منهاج السنه: ۴ / ۱۸۲ و ۱۸۳.

۵. تاریخ ابن کنثر: ۵ / ۱۵۹.

البته ما در ادامه گروهی را نام خواهیم برد که این سخن را نقل کرده اند!

با این حال، گویا ابن تیمیه می داند که زحمت ها و تلاش های او برای توجیه اقدام عمر و دفاع از او، ره به جایی نخواهد برد. از این رو از روی ناچاری می گوید:

اهل تسنن اتفاق نظر دارند که فقط رسول خدا صلی الله علیه وآله هستند که همه اعمال ایشان برای ما حجّت است و باید به آن ها عمل کرد. از نگاه اهل سنّت هر انسانی به جز رسول خدا صلی الله علیه وآله اشتباه می کند، و عمر نیز، از این قاعده مستثنا نیست.^۲

البته این کار عمر «اشتباه» نیست؛ بلکه کاری «نو پیدا» است؛ همان گونه که در حدیث پیشین گذشت که ابوموسی اشعری می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

أنا فرطكم على الحوض، وليرفعن رجال منكم ثم ليختلجنّ دوبي. فأقول: يا رب! أصحابي!
فيقال: إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك!^۳

من جلوتر از شما کنار حوض (کوثر) خواهم ایستاد. پس مردانی از شما بیرون رانده و از من جدا خواهند شد. من می گویم: پروردگارا! اینان یاران من هستند!

گفته می شود: تو نمی دانی که اینان پس از تو چه بدعت هایی را روا داشتند؟!!

و در این جا می توان گفت که قصد اصلی از تحریم متعه حج احیای سنّت جاهلی است؛ زیرا در دوران جاهلیت، انجام متعه حج در ماه های حج از شدیدترین گناهان روی زمین به شمار می رفت.^۴

بیهقی در السنن الکبری می نویسد:

ابن عباس می گوید: به خدا سوگند، رسول خدا صلی الله علیه وآله عایشه را در ماه ذی الحجه به همراه خود به عمره نبرد، مگر برای این که عملاً سنّت جاهلیت را ابطال نماید.^۵

از این رو در حدیث صحیحی نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

لو استقبلت من أمري ما استدبرت ما أهديت، ولولا أنّ معي الهدى لأحلت.

یعنی برای خروج از احرام عمره تمتع، قربانی لازم نیست. پس این حدیث دلالت دارد بر این که بعد از اتمام اعمال عمره تمتع باید از احرام خارج شد.

۱ . منهاج السنه: ۴ / ۱۸۲ و ۱۸۳ .

۲ . همان .

۳ . حافظان حدیث، این حدیث را در باب «الحوض» آورده اند؛ از جمله بخاری در صحیح: ۵ / ۲۴۰۵، کتاب «الرقاق» «باب فی الحوض» حدیث ۶۲۰۵ آورده است.

۴ . صحیح بخاری: ۲ / ۵۶۷؛ کتاب نکاح، باب «التمتع والإقراء والإفراد بالحج»، حدیث ۱۴۸۹، صحیح مسلم: ۳ / ۸۱ — ۸۲، کتاب حج، باب «جواز العمره فی أشهر الحج»، حدیث ۱۲۴۰ و

۵ . السنن الکبری: ۴ / ۵۶۳، کتاب حج، باب «العمره فی أشهر الحج»، حدیث ۸۷۳۲ .

در این هنگام سراقه پسر مالك بن جعشم گفت: ای پیامبر خدا! این مسئله ویژه ماست، یا برای همیشه این حکم جاری است؟

پیامبر پاسخ داد: نه، این برای همیشه خواهد بود.

همه صحاح نویسان این حدیث را نقل کرده اند. بخاری در صحیح خود بخشی را به آن اختصاص داده است.

بخش دوم
ازدواج موقت

ازدواج موقت چیست؟

مقصود از ازدواج موقت آن است که زن آزاد و عاقل، خود را با مهریه و مدتی معین به عقد مردی مسلمان درآورد و مرد نیز این عقد را بپذیرد.

این همان ازدواج متعه یا ازدواج موقت است. رعایت همه شروط ازدواج دائم در این نوع ازدواج نیز شرط است؛ از جمله دارا بودن همه شرایط صحت عقد، نبود مانع نسبی یا سبی (از محارم نباشد و...).

در این نوع ازدواج، وکالت دادن به عاقد نیز همانند ازدواج دائم، جایز است. فرزندی که از آنان متولد می شود، فرزندی شرعی و به پدر متعلق است و تمامی شروط و پیامدهای ازدواج دائم از جمله محرّمیت، نگه داشتن عده و امور دیگر بر آن مترتب است.

تفاوت این نوع ازدواج با نوع دائم، در این است که جدایی در این ازدواج به واسطه طلاق نیست؛ بلکه با پایان یافتن مدتی است که در عقد ذکر شده و یا با بخشش آن مدت از سوی مرد نیز جدایی صورت پذیر است.

عده این نوع ازدواج در صورتی که زن یائسه نباشد، دو حیض است. این در صورتی است که آن زن، خون حیض ببیند، وگرنه مدت عده او چهل و پنج روز خواهد بود.

از دیگر شرایط این ازدواج این است که زن و مرد از يك دیگر ارث نمی برند و هیچ نفقه ای نیز بر مرد واجب نمی گردد.

البته این که ازدواج موقت احکامی خاص دارد که در ازدواج دائم وجود ندارد به معنای آن نیست که دو ازدواج در شریعت داشته باشیم و این که ازدواج موقت در مقابل ازدواج دائم — مثل ازدواج ذات یمین — قرار گیرد؛ بلکه تفاوت در چند کلمه شرعی معدود است.

ادله ازدواج موقت

قرآن، سنت پیامبر و اتفاق نظر شیعه و سنی بر صحت و مشروعیت این ازدواج و ثبوت آن در اسلام دلالت دارند. اینک به بیان ادله این نوع ازدواج می پردازیم.

ازدواج موقت و دلیل قرآنی

خداوند متعال می فرماید:

(فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ)؛^۱

پس هر گاه از آن زنان بهره مند شدید... .

در روایتی آمده: جمعی از صحابه و تابعین که در قرائت قرآن و فهم و درک احکام آن، مرجع دیگران بودند، تصریح کرده اند که این آیه درباره ازدواج موقت نازل شده است. گفته می شود که آنان این آیه را این گونه تلاوت می کردند:

فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ؛

پس هر گاه تا وقتی معین از آن زنان بهره جستید.

آنان این آیه را در مصحف های خود به همین شکل می نگاشتند. پس در این صورت آیه به جواز ازدواج موقت تصریح دارد. از کسانی که این آیه را در صحّت ازدواج موقت برشمرده اند می توان عبدالله بن عباس، ابی بن کعب، عبدالله بن مسعود، جابر بن عبدالله، ابوسعید خدری، سعید بن جبیر، مجاهد، سدّی و قتاده را نام برد.^۲ فراتر این که حدیث نگاران از ابن عباس این گونه نقل می کنند که او سه مرتبه گفت: «به خدا سوگند، خداوند این آیه را این گونه نازل کرد».

از طرف دیگر، نقل شده که ابن عباس و ابی بن کعب تصریح کرده اند که این آیه نسخ نشده است. بالاتر این که قرطبی تصریح می کند که دلالت این آیه بر ازدواج موقت، دیدگاه همگان است. وی می گوید: «همگان گفته اند که مقصود (از این آیه) ازدواج موقت است که در صدر اسلام رایج بوده است».^۳

ازدواج موقت از دیدگاه سنت

احادیث فراوانی از سنت پیامبر در این باره نقل شده است که ما در این جا به حدیثی که بخاری، مسلم، احمد بن حنبل و دیگران، از عبدالله بن مسعود نقل کرده اند بسنده می کنیم. ابن مسعود می گوید: همراه رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگی شرکت داشتیم. در این جنگ زانمان همراه ما نبودند. از این رو عرض کردم: (ای رسول خدا!) آیا اجازه می دهید خود را اخته کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه وآله ما را از این کار بازداشت، آن گاه به ما اجازه داد تا با مهریه قرار دادن لباسی، زنی را به ازدواج موقت خود برگزینیم. سپس عبدالله بن مسعود این آیه را تلاوت کرد:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ)؛^۴

۱ . سوره نساء: آیه ۲۴ .

۲ . برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: تفسیرهای طبری، قرطبی، ابن کثیر، زمخشری و الدر المنثور سیوطی در ذیل این آیه. هم چنین ر.ک: احکام

القرآن، حصّاص: ۲ / ۲۰۸، السنن الکبری، بیهقی: ۷ / ۳۳۵، المنهاج، نووی: ۹ / ۱۵۳، المغنی، ابن قدامه: ۷ / ۵۷۱ .

۳ . تفسیر قرطبی: ۵ / ۱۳۰ : در این منبع چنین آمده است: «وقال الجمهور: المراد نكاح المتعة الذي كان في صدر الإسلام».

۴ . سوره مائده: آیه ۸۷ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای استفاده شما حلال کرده، حرام بشمارید و از حدّ مگذرید؛ زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.^۱

البته منظور این مسعود از قرائت این آیه پس از ذکر حدیث، پنهان نیست؛ زیرا او از منتقدین آن شخصی است که ازدواج موقت را حرام کرد.

ازدواج موقت و اجماع

در این که متعه، یک نوع ازدواج است، هیچ اختلافی بین مسلمانان وجود ندارد. قرطبی با ذکر پاره‌ای از احکام آن به این دلیل تصریح کرده و می‌گوید:

علمای گذشته در این که متعه ازدواجی موقت است و در آن ارث و میراثی نیست و نیز جدایی در آن با پایان مدّت عقد صورت می‌پذیرد؛ نه با طلاق، اختلاف نداشتند.

آن‌گاه قرطبی کیفیت این عقد و احکام آن را از ابن عطیّه نقل می‌کند.^۲

طبری نیز از سدّی این گونه نقل می‌کند: «در این متعه مرد، زن را به مهری معین و تا زمانی از پیش تعیین شده، به عقد خود درمی‌آورد...».^۳

هم چنین در کتاب التمهید به نقل از ابن عبدالبرّ این گونه آمده است:

علما اتفاق نظر دارند که متعه، ازدواجی است که نه به شهود نیاز دارد و نه به اذن ولیّ زن. هم چنین همه حکم می‌دهند که این ازدواج موقت بوده و ارثی در آن ردّ و بدل نمی‌شود. جدایی در آن نیز با پایان یافتن مدّت عقد صورت می‌پذیرد؛ نه با طلاق.^۴

عمر و حرام کردن ازدواج موقت

ازدواج موقت با زنان (همانند متعه حج) تا زمان وفات پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و هم چنین زمان خلافت ابوبکر و اندکی از دوران حکومت عمر بن خطاب حلال و امری رایج بود تا این که عمر گفت:

دو متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله حلال و معمول بوده و من آن دو متعه را ممنوع می‌کنم و مرتکب آن دو را مجازات می‌نمایم؛ متعه حج و متعه زنان.

این سخن عمر در کتاب‌ها و منابع حدیثی، فقهی، تفسیری و کلامی آمده که می‌توان به کتاب‌های ذیل اشاره

کرد:

۱. صحیح بخاری: ۵ / ۱۹۵۳؛ کتاب نکاح، باب «ما یکره من التبتل والخصاء»، حدیث ۴۷۸۷ و ۴ / ۱۶۸۷، کتاب «التفسیر»، تفسیر سوره

مائده، حدیث ۴۳۳۹، صحیح مسلم: ۳ / ۱۹۳، کتاب نکاح، باب «نکاح المتعه»، حدیث ۱۴۰۴، مسند احمد: ۱ / ۶۹۲، مسند عبدالله بن

مسعود، حدیث ۳۹۷۶.

۲. تفسیر قرطبی: ۵ / ۱۳۲.

۳. تفسیر طبری: ۵ / ۱۸.

۴. التمهید: ۱۱ / ۱۰۲.

تفسیر رازی، شرح معانی الآثار، السنن الکبری بیهقی، بدایه المجتهد، المحلی، احکام القرآن تألیف حصّاص، شرح التجرید تألیف قوشجی أشعری، تفسیر قرطبی، المغنی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، الدر المنثور، کتر العمال و وفیات الأعیان.^۱

برخی از مورخان و حدیث نگاران مانند سرخسی به صحیح بودن این حدیث تصریح کرده اند. برخی دیگر همانند ابن قیم الجوزیه بر معتبر بودن این حدیث گواهی می دهند.

راغب اصفهانی در کتاب المحاضرات می نویسد:

یحیی بن اکثم به شیخی در بصره گفت: در جواز متعه به چه کسی اقتدا می کنی؟

پاسخ داد: به عمر اقتدا کردم.

پرسید: چگونه به او اقتدا کردی در حالی که او از شدیدترین مخالفان متعه بود؟!

پاسخ داد: زیرا در خبر صحیحی آمده است که او بر فراز منبر رفت و گفت: خداوند و پیامبر او، دو متعه را بر

شما حلال کردند و من آن دو متعه را بر شما حرام می کنم و مرتکب آن را مجازات می کنم.

من شهادت و گواهی او را به جواز این عمل پذیرفتم، ولی فتوایش را نپذیرفتم.

در پاره ای از روایات آمده که عمر از دو متعه و گفتن «حیّ علی خیر العمل» (در اذان و اقامه) نمی کرد.^۲

در روایتی عطا نقل می کند که جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، ابوبکر و عمر ازدواج موقت نمودیم، تا آن که در اواخر خلافت عمر، «عمرو بن

حریث» زنی را (که جابر نامش را آورده، ولی من فراموش کردم) به عقد موقت خود درآورد، آن زن باردار شد، زمانی

که عمر آگاه شد، آن زن را احضار کرد و از درستی این خبر پرسید.

زن پاسخ داد: آری.

عمر گفت: شاهد شما کیست؟

عطا می گوید: این زن، مادر یا ولی خود را به عنوان شاهد معرفی کرد.

عمر به وی گفت: فرد دیگری داری که شهادت بدهد؟!

پس از این ماجرا بود که عمر ازدواج موقت را ممنوع کرد.^۳

روایات مشابه دیگری نیز وجود دارد که در برخی از آن ها عمر مخاطب خود را به سنگسار تهدید کرده است.^۴

۱ . تفسیر رازی: ۲ / ۱۶۷، شرح معانی الآثار: ۳۷۴، السنن الکبری، بیهقی: ۷ / ۲۰۶، بدایه المجتهد: ۱ / ۳۴۶، المحلی: ۷ / ۱۰۷، احکام القرآن

تألیف حصّاص: ۱ / ۲۷۹، شرح التجرید تألیف قوشجی أشعری (در بخش مطاعن عمر)، تفسیر قرطبی: ۲ / ۳۷۰، المغنی: ۷ / ۵۲۷، زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۲۰۵، الدر المنثور: ۲ / ۱۴۱، کتر العمال: ۸ / ۲۹۳، وفیات الأعیان: ۵ / ۱۹۷.

۲ . شرح التجرید، قوشجی، باب مطاعن عمر، ص ۴۸۴.

۳ . صحیح مسلم: ۳ / ۱۹۴، کتاب نکاح، باب «نکاح المتعه»، ذیل حدیث ۱۴۰۵، مسند احمد: ۴ / ۲۳۷، مسند جابر بن عبدالله، حدیث ۱۳۸۵۶، السنن الکبری، بیهقی: ۷ / ۳۸۸، کتاب الصداق، باب «ما يجوز أن يكون مهرًا»، حدیث ۱۴۳۶۸، این داستان در کتاب المصنّف عبدالرزاق: ۷ / ۴۹۷، باب «المتعه»، حدیث ۱۴۰۲۱ نیز آمده است.

۴ . هم چنین از عمر نقل می شود که گفت: «هیچ مردی را پیش من نمی آورند که ازدواج موقت انجام داده باشد، مگر آن که او را سنگسار خواهم کرد، حتی اگر مرده باشد قبرش را سنگسار خواهم کرد!»، المبسوط، سرخسی: ۵ / ۱۵۳.

در روایتی دیگر این گونه آمده است:

مردی از شام به مدینه آمد و زنی را به عقد موقت خویش درآورد و مدتی نامعلوم با او بود، تا آن که عقد تمام شد.

وقتی عمر از این موضوع آگاه شد، آن مرد را به نزد خویش خواند و از او پرسید: چه چیزی باعث شد تا آن زن را به ازدواج موقت خود درآوری؟

آن مرد در پاسخ گفت: این کار را در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله انجام دادم و ایشان تا زمان مرگ، ما را از این کار منع ننمود. سپس در زمان ابوبکر نیز همین وضعیت وجود داشت، او نیز ما را از این کار نمی نکرد تا این که او نیز مرد و شما به روی کار آمدی. از تو نیز خبری برای منی از ازدواج موقت به ما نرسیده است. عمر گفت: سوگند به آن که جانم در دست اوست، اگر پیش تر ازدواج موقت را ممنوع کرده بودم، تو را سنگسار می نمودم.^۱

همان گونه که روشن شد همه روایات منع از ازدواج موقت را به عمر منسوب می کنند و چنین تعبیرهایی دارند: «هنگامی که عمر به خلافت رسید از آن دو (متععه) نمی کرد».

«عمر آن را ممنوع کرد».

«مردی حکمی از خود ساخته را صادر کرد».

و تعبیرهای دیگری که در منابع آمده است.

پس اگر منعی از جانب رسول خدا صلی الله علیه وآله صورت گرفته بود، هیچ کس منع و آثار و پیامدهای منفی آن را به عمر نسبت نمی داد.

در روایتی آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

لولا أنّ عمر نمی عن المتعة ما زنی إلا شقی؛^۲

اگر عمر ازدواج موقت را ممنوع نمی کرد، جز فرد نگون بخت کسی مرتکب زنا نمی شد.

هم چنین در این باره از ابن عباس چنین نقل شده است:

«متععه چیزی جز رحمت خداوند نسبت به بندگان نبوده. اگر عمر از آن نمی کرد، جز انسان نگون بخت،

کسی زنا نمی کرد».^۳

از این رو نخستین کسی که ازدواج موقت را حرام کرد، عمر بن خطاب است.^۴ فراتر این که خود عمر می گوید:

۱. کتر العمال: ۱۶ / ۲۱۸، کتاب النکاح، باب المتعه، حدیث ۸۴۵۷۱۸.

۲. المصنف عبدالرزاق: ۷ / ۵۰۰، باب المتعه، حدیث ۱۴۰۲، تفسیر طبری: ۵ / ۱۹، الدر المنثور: ۲ / ۲۵۱، تفسیر رازی: ۱۰ / ۵۲.

۳. تفسیر قرطبی: ۵ / ۱۳۰، برخی در این روایات به جای واژه «شقی؛ نگون بخت» از واژه «شقی» به معنای «ناچیز» استفاده کرده اند. ر.ک:

النهایه: ۲ / ۴۳۷، تاج العروس: ۱۹ / ۵۷۸ و دیگر فرهنگ نامه های عربی.

۴. تاریخ الخلفاء: ۱۳۷.

این دو متعه (متعه حیح و ازدواج موقت) در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله رایج بوده و من آن ها را ممنوع اعلام می کنم.

او از منع رسول خدا صلی الله علیه وآله سخنی به میان نمی آورد و نمی را به خودش نسبت می دهد. عمر حتی برای تخلف کنندگان از حکم خود، مجازات تعیین می نماید، تا آن گاه که آن مرد شامی پاسخ داد: تا این لحظه از تو فرمان جدید برای ممنوع بودن این عمل به ما نرسیده است. عمر سخن او را تکذیب نکرد؛ بلکه با عبارات خود اعتراف کرد که تا آن لحظه هرگز متعه کردن، حرام نبوده است.

البته در روایتی آمده بود: «ثم معك فلم تُحدث لنا فيه شيئاً...» و به کار بردن فعل «تحدث» (آوردن حکمی نو و بی سابقه) اشاره به نو پیدا و بدعت بودن اقدام عمر دارد.

تحریم ازدواج موقت و موضع گیری حضرت علی علیه السلام و بزرگان صحابه

هر چند برخی همانند عبدالله بن زبیر در ممنوعیت ازدواج موقت از عمر پیروی کردند، اما بزرگان صحابه به پیروی از قرآن و سنت، به حلال بودن آن قائل بودند. از پیشگامان بزرگان صحابه مولای ما امیر مؤمنان حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام هستند.

در این زمینه ابن حزم می گوید:

گروهی از پیشینیان بر حلال بودن ازدواج موقت بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه وآله هم چنان ثابت قدم ماندند. از جمله برخی صحابه مانند اسماء دختر ابوبکر، جابر بن عبدالله انصاری، ابن مسعود، ابن عباس، معاویه بن ابی سفیان، عمرو بن حریش، ابوسعید خدری، سلمه و معبد فرزندان امیه بن خلف.

جابر بن عبدالله انصاری حلال بودن ازدواج موقت را تا پایان عمر مبارک رسول خدا صلی الله علیه وآله، زمان ابوبکر و هم چنین اواخر دوران خلافت عمر، به نقل از تمامی صحابه پیامبر صلی الله علیه وآله روایت کرده است... از تابعین نیز طاووس، عطاء، سعید بن جبیر و دیگر فقهای مکه مکرمه بر حلال بودن ازدواج موقت ثابت قدم مانده اند...^۱

البته ابن حزم، نامی از عمران بن حصین و برخی دیگر از صحابه به میان نمی آورد. قرطبی نیز این نام ها را آورده و به نقل از ابن عبدالبر می افزاید:

پیروان ابن عباس از اهل مکه و یمن، همگی به پیروی از ابن عباس، به حلال بودن ازدواج موقت حکم داده اند.^۲

۱. الخلی: ۹ / ۱۲۹.

۲. تفسیر قرطبی: ۳ / ۱۳۳.

عبدالملك بن عبدالعزيز مشهور به ابن جریج مکی در گذشته سال ۱۴۹ هجری از نام آورترین فقهای مکه مکرمه به حلال بودن ازدواج موقت حکم کرده است؛ وی از بزرگان فقها و تابعان نامدار و از محدثان ثقه و مورد اعتماد و نیز از راویان صحیح بخاری و صحیح مسلم است. نقل شده که وی نزدیک به ۹۰ زن را با عقد موقت به ازدواج خود درآورده بود.

ابن خلکان می گوید: مأمون در دوران خلافت خود دستور داد تا در بین مردم به حلال بودن ازدواج موقت ندا دهند.

محمد بن منصور و ابوالعیناء (از فقهای دربار وی) بر او وارد شدند تا شاید نظرش را برگردانند.

مأمون در حالی که با عصبانیت مشغول مسواک زدن بود، کلام عمر را بر زبان می آورد و می گفت: «دو متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله و ابوبکر رایج بودند و من آن دو را ممنوع می کنم!» تو کیستی ای چپ چشم؟! تا از آن چه رسول خدا صلی الله علیه وآله و ابوبکر انجام داده اند، نمی کنی؟

محمد بن منصور خواست با مأمون سخن بگوید، اما ابوالعیناء به آرامی به او گفت: می خواهی به کسی که به صراحت درباره عمر چنین می گوید، چه بگویی؟!

در این هنگام یحیی بن اکثم وارد شد و با مأمون خلوت کرد و او را از فتنه ترساند تا او را از این نظر بازگرداند.^۱

دفاع از عمر و توجیه گفتار او

اینک بر آنیم به سخنان افرادی پردازیم که برای دفاع از عمر و توجیه این اقدام وی — همانند همه موارد این چنینی — خود را بیهوده به زحمت می اندازند؛ چرا که این حکم از نگاه قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه وآله امری ثابت، مسلم و از ضروریات دین به شمار می رود. حال آن که خلیفه آشکارا حکم خداوند را نادیده می گیرد و با آن مخالفت می کند.

سه دیدگاه متفاوت

کسانی که به توجیه حکم عمر پرداخته اند، به چند دسته تقسیم می شوند. در يك تقسیم بندی کلی می توان دیدگاه ها را به سه دسته ساماندهی کرد:

دیدگاه یکم: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله حکم جواز ازدواج موقت را نسخ کردند، ولی به جز عمر هیچ کس از این مسأله آگاه نشد.

۱. وفیات الاعیان: ۶ / ۱۴۹ — ۱۵۰، شرح حال یحیی بن اکثم.

این دیدگاه را فخر رازی پس از بیان چند توجیه برای اقدام عمر و نپذیرفتن آن‌ها، چنین بیان می‌کند:
 ... فقط این راه باقی می‌ماند که گفته شود: منظور عمر آن بود که متعه در زمان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌مباح بوده و من از آن منع می‌کنم؛ زیرا برای من ثابت شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این حکم را نسخ کرده است.^۱
 نووی پس از نقل سخن عمر می‌افزاید:
 معنای این سخن چنین است: کسانی که در زمان ابوبکر و عمر متعه نموده‌اند، خبر نسخ حکم متعه را نشنیده بودند.^۲

دیدگاه دوم: شخص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله متعه را حرام کرده است.

دیدگاه سوم: عمر آن را حرام کرد.

دیدگاه دوم و سوم را ابن‌قیم جوزیه بیان کرده است.^۳

کسانی که دیدگاه دوم را می‌پذیرند و بر این باورند که خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله متعه را حرام کرد، درباره زمان تحریم متعه از سوی آن حضرت به هفت دسته تقسیم می‌شوند^۴ که می‌گویند نسخ:

۱. در جنگ خیبر صورت پذیرفت. شافعی، از پیروان این دیدگاه است.

۲. در زمان انجام عمره پس از فتح مکه صورت پذیرفت.

۳. در سال فتح مکه انجام متعه حرام شد. از قائلین به این نظریه، ابن‌عیینه و گروهی دیگر هستند.

۴. در جنگ اوطاس صورت گرفت.

۵. در سالی که جنگ حنین در گرفت، صورت پذیرفت.

ابن‌قیم می‌گوید: به دلیل متصل بودن جنگ حنین به فتح مکه، در واقع این دیدگاه همان نظریه دوم است.^۵

البته ما در آینده این موضوع را بررسی و پیرامون آن بحث خواهیم کرد.

۶. در سال جنگ تبوک صورت پذیرفت که سخن در این باره خواهد آمد.

۷. در سال حجة الوداع انجام شد.

ابن‌قیم می‌گوید: این توهم برخی از راویان است. آنان در سفر توهمی خود از فتح مکه تا حجة الوداع را پیموده‌اند؛ چرا که سفر خیالی از نقطه‌ای به نقطه دیگر، از زمانی به زمان دیگر و از رویدادی به رویداد دیگر برای حافظان حدیث و دیگر راویان بسیار رخ می‌دهد.^۱

۱. تفسیر کبیر: ۱۰ / ۵۶.

۲. المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۹ / ۱۵۷.

۳. زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۱۸۴ - ۱۸۵.

۴. ابن‌قیم چهار مورد را آورده که عبارتند از: جنگ خیبر، فتح مکه، جنگ حنین و حجة الوداع. ر.ک: زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۱۸۳ و سه مورد دیگر از کتاب فتح الباری: ۹ / ۲۱۰، ذکر شده است.

۵. زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۱۸۳.

خلاصه آن چه طرفداران دیدگاه سوم برای توجیه حرام شدن آن چه خدا و رسولش حلال نموده اند (به طوری که این حکم تا زمان رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نیز دست نخورده باقی ماند) چنین بیان شده است:

عمر متعه را حرام نمود و آن را منع کرد، اما از سوی دیگر، رسول خدا صلی الله علیه وآله به پیروی از سنت و تشریح خلفای راشدین فرمان داده اند.^۲

دسته بندی این دیدگاه ها برگرفته از اقوال و گفته های آنان است که با پژوهش و بررسی می توان آن را از دیدگاه ها و اقوال آشفته آنان به دست آورد. اما شایسته است این دیدگاه ها بررسی و ارزیابی شوند.

نقد دیدگاه یکم

بهر بود امام اهل سنت فخر رازی این دیدگاه را مطرح نمی کرد که نسخ ازدواج موقت توسط پیامبر خدا صلی الله علیه وآله صورت گرفته بود و فقط عمر از این مسأله آگاه بود؛ زیرا چگونه ممکن است عمر از نسخ این حکم باخبر شود، ولی امیر مؤمنان علی علیه السلام و دیگر اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله از این مسأله آگاه نباشند؟! چرا پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله فقط او را از این مسأله آگاه کرده است؟! چرا هنگامی که عمران بن سواد عمر را نصیحت می کرد، به او پاسخ نداد که متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله حرام شد؟

عمران بن سواد خطاب به عمر گفت: امت تو چهار مسأله را بر تو ایراد می گیرند، از جمله آن که تو ازدواج موقت با زنان را حرام کردی؛ حال آن که خدا حلال نموده بود و ما با مشتی خرما ازدواج موقت می کردیم. سه مسأله دیگر بماند.

عمر گفت: همانا پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در زمان ضروری و اضطرار این حکم را صادر کرده بود. اما پس از آن مردم از این وضعیت بیرون آمدند و حکم اضطرار نیز برداشته شد...^۳

به راستی چرا همه مسلمانان، این مسأله را از عمر نپذیرفتند و این اختلاف تا امروز باقی است؟!

نقد دیدگاه سوم

بنابراین دیدگاه، عمر ازدواج موقت را حرام کرده است و پیروی از حکم عمر لازم است.

ابن قیم در این باره می گوید:

اگر گفته شود: مسلم نیشابوری در صحیح خود از جابر بن عبدالله این گونه نقل می کند: «ما در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله و ابوبکر، در مقابل يك مشت خرما یا آرد ازدواج موقت انجام می دادیم، تا این که عمر در قضیه عمرو بن حرث از آن نمی کرد». شما در برابر این روایت که به صراحت زمان تحریم را دوران خلافت عمر اعلام می کند، چه پاسخی دارید؟

۱. همان: ۲ / ۱۸۳.

۲. همان: ۲ / ۱۸۴.

۳. تاریخ طبری: ۳ / ۲۹۰، حوادث سال ۲۳.

هم چنین ثابت شده است که عمر این گونه گفته است: «دو متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله حلال و رایج بوده و من آن ها را منع می کنم: متعه حج و متعه زنان». این سخن را چگونه توجیه می کنید؟

پاسخ داده می شود: در این مسأله مردم به دو گروه تقسیم می شوند:

گروه اول می گویند: عمر، ازدواج موقت را حرام کرد و مردم را از انجام آن باز داشت؛ رسول خدا صلی الله علیه وآله به پیروی از سنت و تشریح های خلفا فرمان داده بودند. بنابراین، باید از حکم عمر پیروی کرد.

این گروه به صحت روایت سیره بن معبد معتقد نیستند. طبق این روایت که عبدالمملک بن ربیع بن سیره از پدرش از جد خویش نقل می کند، ازدواج موقت در سال فتح مکه حرام گردیده است.

ابن معین نیز بر این حدیث ایراد گرفته است. البته بخاری به نقل این حدیث در صحیح خود نیازی ندیده است. این در حالی است که پرداختن به آن بسیار ضروری و اصلی، از اصول اسلام است.

بنابراین، دلیل نیامدن این حدیث در کتاب بخاری، صحیح نبودن آن حدیث از نگاه اوست؛ چرا که اگر او در صحت حدیث تردید نداشت، بی شك آن را نقل و به آن استناد می کرد.

راویان می گویند: اگر حدیث «سیره» صحیح باشد، باکی بر ابن مسعود نیست که روایت کند که آنان به ازدواج موقت عمل می کرده اند و به آیه قرآن استناد نماید.

هم چنین در صورت صحت این روایت نباید عمر اعلام می کرد که این عمل در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله رایج بود و من از آن منع می کنم و مرتکبش را به مجازات می رسانم؛ بلکه باید این گونه می گفت: پیامبر صلی الله علیه وآله آن را حرام نمود و ما را از ازدواج موقت، نهی کرد.

برخی دیگر می گویند: اگر (این حدیث) صحیح بود، متعه در زمان ابوبکر — که جانشین برحق پیامبر بود(!) — نباید جایز شمرده می شد.

گروه دوم: حدیث «سیره» را صحیح می دانند. از نگاه پیروان این دیدگاه حتی اگر این حدیث صحیح نباشد، حدیث حضرت علی علیه السلام که می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه وآله خود ازدواج موقت با زنان را حرام نموده» حدیثی صحیح است.

به این ترتیب باید حدیث جابر بن عبدالله را این گونه تفسیر نمود: کسانی که گفته شده به متعه عمل می کردند، در واقع خیر تحریم این عمل به آنان نرسیده بود. این حکم هم چنان مشهور نبود تا این که در زمان عمر بر سر متعه نزاع پیش آمد. در این هنگام بود که حکم حرمت متعه آشکار و مشهور شد. به این ترتیب میان احادیث متعارض، سازگاری ایجاد می شود. و توفیق از خداوند است.^۱

بنابراین دیدگاه، طرفداران این دیدگاه، اذعان دارند که تحریم متعه از جانب عمر بوده، نه از جانب خدا و پیامبر او، اما آنان تحریم عمر را توجیه می کنند؛ بلکه این کار را به خدا و پیامبر نسبت می دهند. به این اعتبار که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، به پیروی از دستورات و احکام صادره از خلفای راشدین امر نموده است.

۱ . زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۱۸۴ و ۱۸۵.

مهم ترین دلیل توجیه کنندگان اقدام عمر همین است، اما باید بدانیم این توجیه بر پایه روایت «لزوم پیروی از سنت خلفای راشدین» است. اما اگر نادرستی این روایت ثابت شود، باید پذیرفت که عمر در دین «بدعت» گذاشته است. هم چنان که بسیاری از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز همین سخن را بیان کرده اند.

ابن قیّم می گوید: «رسول خدا صلی الله علیه وآله به پیروی از آن چه خلفا صادر می نمایند، دستور داده است». این سخن اشاره ای است به آن چه از پیامبر روایت شده که فرمود:

«از سنت من و سنت خلفای راشدین هدایت یافته پس از من پیروی کنید و به آن چنگ زنید و پایبند بمانید!»^۱ گفتنی است که طبق تحقیقاتی که صورت پذیرفته این حدیث با تمامی سندهایش باطل و جعلی است.^۲ برخی بزرگان ائمه اهل تسنن هم چون حافظ ابن قطن در گذشته سال ۶۲۸ هجری این حدیث را رد می کند. ابن حجر در شرح حال عبدالرحمان سلمی می گوید: وی تنها يك حدیث در پند و اندرز دارد که آن را ترمذی تصحیح نموده است.

نگارنده می افزاید که این حدیث را «ابن حبان» و حاکم نیشابوری در *المستدرک علی الصحیحین* نقل نموده اند. ابن قطن فاسی می گوید: به دلیل ناشناخته بودن راوی حدیث، این روایت صحیح نیست.^۳ گفتنی است که دانشمندان بزرگ شرح حال ابن قطن را نگاشته و او را ستوده اند.^۴

نقد دیدگاه دوم

درباره زمان تحریم ازدواج موقت توسط پیامبر خدا صلی الله علیه وآله چند قول دیگر نیز مطرح شده است. برخی می گویند: در سال حجة الوداع بوده. ابن قیّم در این باره می گوید: این دیدگاه غلط، از برخی راویان ناشی شده است.

قول دیگر این که تحریم در سال جنگ حنین رخ داد، ابن قیّم می گوید: به دلیل نبود فاصله زمانی میان جنگ حنین و فتح مکه، در واقع این دیدگاه همان نظریه دوم است.^۵

در رابطه با این نظر که تحریم ازدواج موقت زنان در جنگ اوطاس رخ داد، سهیلی می گوید: دیدگاه راویانی که می گویند: تحریم در جنگ اوطاس بود، همسو با روایتی است که بر تحریم ازدواج موقت در سال فتح مکه گواهی می دهد.^۶

درباره تحریم ازدواج موقت زنان در عمره قضا، دیدگاه سهیلی چنین است:

۱ . برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: سلسله پژوهش های اعتقادی، شماره ۲۳، کتاب سنت پیامبر یا سنت خلفا؟! از همین نگارنده.

۲ . تهذیب التهذیب: ۶ / ۲۱۵.

۳ . ر.ک: تذکره الحفاظ: ۴ / ۱۴۰۷، طبقات الحفاظ: ۴۹۸.

۴ . در آینده این موضوع را بررسی و پیرامون آن بحث خواهیم کرد.

۵ . فتح الباری: ۹ / ۲۱۰.

عجیب ترین این روایت ها، آن است که می گوید: این مسئله در جنگ تبوك رخ داده است. هم چنین حدیث شگفت دیگر این که طبق روایت حسن این تحریم در عمره قضا صورت پذیرفته است.^۱

ابن حجر عسقلانی در این باره می گوید: حرام شدن ازدواج موقت در عمره قضا، نادرست است؛ زیرا این روایت مرسل از «حسن» نقل شده و روایات مرسل او ضعیف هستند؛ زیرا وی از هر کس روایت نقل می کرد. با فرض درستی روایت او، شاید منظور وی در زمان جنگ خیبر باشد؛ چرا که این دو جنگ در يك سال اتفاق افتاده، همان گونه که فتح مکه و جنگ اوطاس در يك سال رخ داده است.^۲

ابن قیّم می گوید: درست آن است که ازدواج موقت در سال فتح مکه حرام گردید.^۳

ابن حجر عسقلانی می گوید: روایتی که مسلم نقل می کند تصریح دارد که حرمت ازدواج موقت در زمان فتح مکه دیدگاه پذیرفته تری است. به این ترتیب زمان حرام شدن ازدواج موقت مشخص می گردد و خدا دانایانتر است.

ابن حجر عسقلانی در آغاز، همه روایات و دیدگاه ها را مطرح و بررسی می کند. پس از بیان آن ها پیرامون این قول به تفصیل سخن می گوید و سرانجام چنین می نویسد:

... از بین زمان هایی که درباره زمان تحریم ازدواج موقت بیان شد، فقط جنگ خیبر و فتح مکه از همه دیدگاه های پیشین صحیح تر است. البته سخن دانشمندان درباره دیدگاه تحریم در جنگ خیبر نیز پیش از این بیان گردید. بلکه سهیلی این دیدگاه را نظر مشهور دانسته است.^۴

روایت تحریم ازدواج موقت در سال فتح مکه

اینك متن روایتی را که تحریم ازدواج موقت را در سال فتح مکه می داند، همان گونه که مسلم نیشابوری آورده، نقل می کنیم:

اسحاق بن ابراهیم، از یحیی بن آدم، از ابراهیم بن سعد، از عبدالملک بن ربیع بن سبره جهنی، از پدرش و او از جدش این گونه نقل می کند:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در سال فتح مکه به ما امر نمودند تا ازدواج موقت نماییم و پیش از خروج از مکه ما را از این کار نهی نمودند.^۵

۱ . همان.

۲ . همان: ۹ / ۲۱۱.

۳ . زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۱۸۳.

۴ . فتح الباری: ۹ / ۲۱۰ و ۲۱۲ و ۲۱۳.

۵ . صحیح مسلم: ۳ / ۱۹۶، کتاب نکاح، باب «نکاح متعه»، ذیل حدیث ۱۴۰۶.

روایت تحریم ازدواج موقت در جنگ تبوک

راویان اهل سنت این روایت را از سه تن از صحابه رسول خدا صلی الله علیه وآله؛ یعنی امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیهما السلام، جابر بن عبدالله انصاری و ابوهریره نقل می نمایند. نووی این روایت را به نقل از حضرت علی علیه السلام این گونه نقل می کند:

به جز مسلم دیگران نیز از علی علیه السلام نقل می کنند که پیامبر صلی الله علیه وآله در جنگ تبوک از ازدواج موقت نمی فرمودند. سلسله راویان حدیث مذکور به این ترتیب است: اسحاق بن راشد، از زهری، از عبدالله بن محمد بن علی و او از پدرش به نقل از حضرت علی علیه السلام.^۱

حازمی نیز این روایت را به نقل از جابر آورده است.

اما روایت نقل شده از ابوهریره را «ابن راهویه» و «ابن حبان» — ابن حبان نیز از طریق ابن راهویه — نقل کرده اند.

ابن حجر عسقلانی نیز روایت این دو راوی را نقل کرده است.^۲

با توجه به آن چه در نقد روایت جنگ تبوک بیان خواهیم کرد، در این جا از بررسی این روایت خودداری می کنیم.

روایت تحریم ازدواج موقت در جنگ حنین

راویان اهل سنت این روایت را از مولای ما امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام نقل کرده اند. نسائی این روایت را این گونه نقل می کند:

عمرو بن علی و محمد بن بشار و محمد بن مثنی از عبدالوهاب نقل می کنند که می گوید: یحیی بن سعید می گوید: مالک بن انس از ابن شهاب از عبدالله و حسن فرزندان محمد بن علی و آنان نیز به نقل از پدرشان محمد بن علی می گویند: علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرمودند:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ خیبر از ازدواج موقت نمی کردند.

محمد بن مثنی می گوید: در این روایت به جای جنگ خیبر، جنگ حنین آمده است. وی می افزاید: عبدالوهاب از کتاب خود این گونه برای ما نقل کرده است.^۳

۱ . المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۹ / ۱۵۴.

۲ . فتح الباری: ۹ / ۲۱۰ و ۲۱۱.

۳ . السنن الکبری، نسائی: ۶ / ۴۳۶، کتاب نکاح؛ تحویم المتعه، حدیث ۳۳۶۷.

روایت تحریم ازدواج موقت در جنگ خیبر

راویان اهل سنت در کتاب های صحاح و دیگر کتاب های حدیثی، تحریم ازدواج موقت در جنگ خیبر را به نقل از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیهما السلام نقل می کنند. اما در متن این روایات تفاوت هایی وجود دارد. ما به آن چه بخاری و مسلم نقل کرده اند، بسنده می کنیم.

بخاری می گوید: مالک بن اسماعیل از ابن عیینه، از زهری، از حسن بن محمد بن علی و برادرش عبدالله از پدرشان نقل می کنند که علی علیه السلام به ابن عباس فرمود:

پیامبر صلی الله علیه وآله در جنگ خیبر از ازدواج موقت و گوشت الاغ منع نمودند.^۱

مسلم نیز این روایت را با چند سند این گونه نقل می کند:

سند یکم. یحیی بن یحیی، از مالک، از ابن شهاب، از عبدالله و حسن فرزندان محمد بن علی، از پدرشان از علی بن

ابی طالب علیهما السلام نقل می کنند که حضرتش فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ خیبر از ازدواج موقت با زنان و خوردن گوشت الاغ منع کردند.

سند دوم. عبدالله بن محمد بن اسماء ضبعی، از جویریة، از مالک، به همان سند پیشین نقل می کند که از علی بن

ابی طالب علیهما السلام شنیده شد که به فردی می گفت: تو فراموش کار هستی؛ چراکه رسول خدا صلی الله علیه وآله ما را از ازدواج موقت با زنان و... نهی کردند.

سند سوم. ابوبکر بن ابی شیبہ و ابن نمیر و زهیر بن حرب از ابن عیینه چنین نقل کرده اند: زهیر گفت: سفیان بن

عیینه، از زهری، از حسن و عبدالله فرزندان محمد بن علی از پدرشان، از علی علیه السلام برای ما نقل کرد که حضرت علی علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه وآله در جنگ خیبر ما را از ازدواج موقت با زنان و خوردن گوشت الاغ نهی نمودند.

سند چهارم. محمد بن عبدالله بن نمیر، از پدرش، از عبیدالله، از ابن شهاب، از حسن و عبدالله فرزندان محمد بن

علی، از پدرشان، از علی بن ابی طالب علیهما السلام چنین نقل می کنند:

روزی ایشان باخبر شدند که ابن عباس به حواز ازدواج موقت معتقد است، از این رو به ابن عباس گفتند: ای پسر

عباس! درنگ کن که رسول خدا صلی الله علیه وآله در نبرد خیبر از این کار و نیز از خوردن گوشت الاغ نهی فرمودند.

سند پنجم. ابوالطاهر و حرمله بن یحیی از ابن وهب، از یونس، از ابن شهاب، از حسن و عبدالله فرزندان محمد بن

علی، از پدرشان نقل می کنند که فردی شنیده که علی بن ابی طالب علیهما السلام به ابن عباس می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه وآله در نبرد خیبر از ازدواج موقت با زنان و از خوردن گوشت الاغ نهی فرمودند.^۲

۱. صحیح بخاری: ۵ / ۱۹۶۶، کتاب نکاح باب «نهی رسول الله صلی الله علیه وآله عن نکاح المتعه»، حدیث ۴۸۲۵.

۲. صحیح مسلم: ۳ / ۱۹۸ - ۱۹۹، کتاب نکاح، باب نکاح المتعه، حدیث ۱۴۰۹۷ و پس از آن.

نقدهای مشترك

همه این روایت‌ها با چند نقد مشترك رو به رو هستند؛ به طوری که این ایرادها بیان‌گر باطل بودن این احادیث هستند، گرچه سند این احادیث صحیح باشد.

اینک به اختصار این نقدهای مشترك را ذکر می‌کنیم؛ سپس حدیث تحریم ازدواج موقت در فتح مکه را به دلیل ادعای شهرت آن، نقد خواهیم کرد. آن‌گاه حدیث تحریم ازدواج موقت در نبرد خیبر را نیز به تفصیل بررسی و نقد خواهیم کرد؛ زیرا این روایت از امیر مؤمنان علی علیه السلام مشهور شده و در صحیح بخاری و مسلم نیز آمده است!!
دلیل‌گزینش دو حدیث مربوط به تحریم ازدواج موقت در نبرد حنین و تبوک از میان احادیث دیگر و نیز دلیل بررسی این دو روایت این است که راویان اهل سنت این دو حدیث را از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده‌اند.
نخستین نقد درباره این احادیث، تعارض آن‌ها با يك دیگر است که برخی از آن‌ها، برخی دیگر را تکذیب می‌کنند؛ امری که باعث سردرگمی عالمان اهل سنت شده و راهکارهای ایشان با يك دیگر در تناقض هستند.^۱
از این رو برخی به ناچار گفته‌اند: ازدواج موقت در آغاز حلال بود، سپس حرام شد، آن‌گاه بار دیگر حلال گردید. اما این عمل برای بار دوم حرام اعلام شد؛ تا جایی که مسلم در صحیح خود بخشی را به همین موضوع، اختصاص داده و بابتی را با این عنوان «باب نکاح متعه و تبیین مباح بودن آن و نسخ شدن این حکم و نیز حلال شدن آن پس از نسخ و سرانجام حرام شدن متعه تا روز قیامت» برای یکی از بخش‌های کتاب خود برگزیده است.^۲
اما این روایات متناقض به این جا ختم نمی‌شود و برخی هم چون قرطبی این تحریم و حلال شدن را تا هفت مرتبه ذکر کرده‌اند.^۳

البته ابن قیم می‌گوید: ممکن نیست برای دو مرتبه در شریعت اسلام نسخ رخ دهد، چه برسد به بیشتر از دو مرتبه؟!^۴

از سوی دیگر، ابن قیم حرام شدن ازدواج موقت را در سال فتح مکه می‌داند. او می‌گوید: اگر حرام شدن ازدواج موقت در جنگ خیبر بود، لازمه این امر، نسخ شدن دوباره این حکم است و این مسئله هرگز در شریعت اسلام رخ نداده و رخ نخواهد داد.^۴

هم‌چنین این دیدگاه‌ها متن گفته عمر را تکذیب می‌کنند؛ چرا که وی گفت: «دو متعه در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله حلال و رایج بوده و من آن‌ها را منع می‌کنم...».
عمر در این جمله که صحت سند آن ثابت است، اذعان می‌نماید که خود، آن‌چه را که در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه وآله حلال بوده، حرام کرده است.

۱. برای آگاهی بیشتر، ر.ک: المنهاج، نووی: ۹ / ۱۵۵، فتح الباری، ابن حجر: ۹ / ۲۱۲.

۲. صحیح مسلم: ۳ / ۱۹۲.

۳. تفسیر قرطبی: ۵ / ۱۳۱.

۴. زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۱۸۳.

نقد دیگر آن که یاران پیامبر (چه پیش از دوران خلافت عمر، چه در زمان خلافت او و چه بعد از آن) به حلال بودن ازدواج موقت و حرام شدن آن توسط عمر گواهی داده اند و برخی نیز گفته اند: اگر اقدام عمر به تحریم ازدواج موقت نبود، جز فرد بدبخت، زنا نمی کرد.

بررسی و نقد تحریم در فتح مکه

اکنون به بررسی و نقد حدیث فتح مکه می پردازیم. از سخنان ابن قیم نادرستی این روایت روشن شد. وی می گوید: این حدیث را عبدالمملک بن ربیع بن سبره از پدرش از جدش روایت می کند.

ابن معین به راوی این حدیث ایراد گرفته و بخاری حدیث او را در صحیح خود نقل نکرده است.

ما در این جا به شرح حال راوی حدیث که توسط ابن حجر عسقلانی روایت شده، اکتفا می کنیم. متن عبارت او به این شرح است:

ابوخیثمه می گوید: از یحیی بن معین در مورد احادیث عبدالمملک بن ربیع که از پدر و جدش نقل می کند، سؤال شد.

ابن معین گفت: این روایت ها ضعیف هستند.

ابن جوزی نیز از ابن معین این گونه حکایت می کند که او گفت: عبدالمملک از نظر نقل روایت فردی ضعیف است.

ابوالحسن بن قطان می گوید: عدالت او ثابت نشده است. هر چند مسلم از وی روایت نقل می کند، اما باز نمی توان به روایات وی استناد کرد. مسلم تنها یک حدیث از او در مورد ازدواج موقت نقل می کند، البته مؤلف، این نکته را یادآوری کرده است.^۱

بررسی و نقد تحریم در جنگ حنین

این روایت را نسائی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می کند که ما به هنگام بررسی روایاتی که از آن حضرت در این باره نقل شده، به این حدیث خواهیم پرداخت. به همین دلیل از بررسی آن، در این جا خودداری می کنیم.

گذشته از این باید توجه داشت که خود اهل سنت و راویان آن ها از ربیع بن سبره نقل می کنند که تحریم ازدواج موقت در حجة الوداع صورت پذیرفته است.

ابوداود این گونه آورده است:

مسدد بن مسرهد، از عبدالوارث، از اسماعیل بن امیه نقل می کند که زهری می گوید: ما در حضور عمر بن عبدالعزیز بودیم. بحث از ازدواج موقت با زنان به میان آمد، شخصی به نام ربیع بن سبره به عمر بن عبدالعزیز گفت: گواهی می دهم که پدرم گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در حجة الوداع از ازدواج موقت نمی نمود.^۲

۱ . تهذیب التهذیب: ۶ / ۳۴۵

۲ . سنن ابوداود: ۲ / ۹۲، کتاب نکاح، باب فی نکاح المتعه، حدیث ۲۰۷۲.

بررسی و نقد تحریم در جنگ تبوك

حدیث جنگ تبوك را که از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می کنند، در جای خود بررسی خواهیم کرد. گذشته از این روایت، ابن حجر عسقلانی به صراحت می گوید: آن چه از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده، پذیرفته نیست؛ زیرا از طریق ابن کثیر نقل شده و او نیز مورد اعتماد نیست و فرد متروکی است.^۱

ابن حجر در کتاب تهذیب التهذیب ضمن اشاره به نام دو راوی به نام عبّاد می نویسد: عبّاد بن کثیر ثقفی بصری و عبّاد بن کثیر رملی فلسطینی، هر دو قابل اعتماد نیستند و افراد متروکی هستند. آنان روایات ساختگی نقل می نمایند و دروغ گو هستند.

ابوحاتم نیز در شرح حال عبّاد بن کثیر رملی فلسطینی می گوید: گمان می کردم که وی از هم نام خودش بهتر است، ولی متوجه شدم که با او فرقی ندارد و روایات وی نیز ضعیف است.^۲

گویا جعل کننده حدیث، به این دلیل حدیث را جعل کرده تا با احادیث صحیح و ثابتی که بیان گر مباح بودن حکم از دواج موقت تا آخرین لحظه عمر پیامبر صلی الله علیه وآله است، تعارض پیدا کند. همان گونه که احادیث فراوانی وضع کرده اند که ابن عباس از این عقیده برگشت. در آینده به این مسئله اشاره خواهیم کرد.

هم چنین در آینده روشن خواهد شد که این افراد روایات ساختگی در این باره را به حضرت علی علیه السلام نیز نسبت داده اند.

یکی از روایات از ابوهریره نقل شده است. ابن حجر عسقلانی می گوید: حدیث ابوهریره نیز خالی از بحث نیست؛ چرا که او حدیث را از مؤمل بن اسماعیل از عکرمة بن عمار نقل می کند و در شخصیت هر دو فرد جای حرف و حدیث است.^۳

بررسی و نقد تحریم در جنگ خیبر

مهم ترین روایات در این مسئله، روایاتی هستند که از زبان امیر مؤمنان علی علیه السلام وضع کرده اند... چرا که آن حضرت از مهم ترین مخالفان این تحریم بود... کسانی که در دل هایشان حبّ پاداش و چاپلوسی به حاکمان و فرمانروایان سلطه گر پرورش یافته بود... برای دشمنی با علی علیه السلام تمام سعی و تلاش خود را کردند و به همین دلیل احادیث ساختگی را به آن حضرت نسبت دادند.

احادیث ساختگی که از زبان آن حضرت نقل شده، هم دیگر را تکذیب می کنند و متناقض هستند؛ زیرا افراد بسیاری در پی نسبت دادن احادیث دروغ به آن حضرت بوده اند. این نیز یکی از نشانه های والای حقانیت است.

۱. فتح الباری: ۹ / ۲۱۱.

۲. تهذیب التهذیب: ۵ / ۹۲ - ۹۰.

۳. فتح الباری: ۹ / ۲۱۱. برای آگاهی بیشتر درباره شرح حال این دو راوی به کتاب تهذیب التهذیب: ۱۰ / ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۷ / ۲۲۶ و ۲۷۷ مراجعه شود.

این احادیث ساختگی را به نقل از نوه های ایشان از فرزندش محمد بن حنفیه آورده اند... ولی به نقل از فرزندان امام حسن و امام حسین علیهما السلام نقل و جعل نکرده اند؛ زیرا آنان به خوبی می دانند که این وصله ها به آنان نمی چسبد.

دروغ گویان به دروغ از آن حضرت نقل می کنند که وقتی شنید ابن عباس به جواز ازدواج موقت حکم داده، او را به تندی مورد خطاب قرار داد... .

چه بسا اگر تعارضی در احادیث ساختگی به وجود نمی آمد ممکن بود که حقایق حتی بر خواص هم پوشیده بماند، تا چه رسد به عوام مردم.

اکنون شایسته است ساختگی بودن این روایات را به تفصیل در ضمن چند عنوان تبیین کنیم.

تناقض روایات در زمان تحریم

در این زمینه حدیثی از زهری، از حسن بن محمد بن علی و برادرش عبدالله بن محمد بن علی، از پدرشان، از علی علیه السلام نقل شده که حضرت علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله در نبرد خیبر از ازدواج موقت با زنان و خوردن گوشت الاغ منع کردند.^۱

ابن مثنی این روایت را با این تفاوت نقل می کند: این تحریم در جنگ حنین بوده است.

وی می افزاید: عبدالوهاب در کتاب خود برای ما این گونه نقل کرده است.

زهری، به نقل از دو فرزند محمد بن علی از پدرشان از علی علیه السلام نقل نقل می کند که این تحریم در جنگ حنین بوده است.^۲

در نقل دیگر زهری از عبدالله بن محمد بن علی، از پدرش، از علی علیه السلام روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله در جنگ تبوک از ازدواج موقت منع نمود.^۳

در روایت دیگری که از محمد بن حنفیه نقل شده، آمده است: حضرت علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: تو مردی فراموش کار هستی؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه وآله در حجة الوداع از ازدواج موقت با زنان نمی نمودند.^۴

روایت دیگری را شافعی از مالک از علی علیه السلام نقل می کند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ خیبر از خوردن گوشت الاغ منع کردند.

در این روایت امر دیگری مطرح نشده است و درباره ازدواج موقت با زنان، سخن به میان نیامده است.^۵

۱ . صحیح مسلم: ۳ / ۱۹۹، کتاب نکاح، باب «نکاح المتعه»، ذیل حدیث ۱۴۰۷.

۲ . السنن الکبری، نسائی: ۶ / ۴۳۶، کتاب النکاح، باب «تحریم المتعه»، حدیث ۳۳۶۷.

۳ . المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۹ / ۱۵۴.

۴ . مجمع الزوائد: ۴ / ۴۸۷، کتاب نکاح، باب «نکاح المتعه»، حدیث ۷۳۹۱.

۵ . عمده القاری: ۱۷ / ۲۴۷

همان گونه که روشن است همه این روایات به يك سند و در يك موضوع از امير مؤمنان علی علیه السلام نقل شده است. اگر کسی بگوید: همه این روایات نزد آن ها معتبر نیست و برخی معتبر است؛ (تا تعارض حل شود)؛ پاسخ می دهیم: روایت نخست را همه معتبر دانسته و در تحقیقات و مطالعه های خود به آن استناد کرده اند. درباره روایت دوم نیز باید گفت که آن را نسائی در کتاب خود — که از کتاب های صحاح به شمار می آید — نقل کرده است.

روایت چهارم را نیز طبرانی نقل کرده است. هیشمی نیز آن را در کتابش ذکر کرده و افزوده است: راویان این حدیث، معتبر هستند.^۱

روایت سوم را نووی آورده، سپس به نقل از قاضی عیاض می نویسد: هیچ کسی در این امر از او تبعیت نکرده و این کار خطایی از اوست.^۲

ابن حجر عسقلانی می گوید: عجیب تر از آن، روایت اسحاق بن راشد است که از زهری نقل می کند. در این روایت آمده است: در جنگ تبوك از ازدواج موقت نمی شد که این روایت نیز نادرست است.^۳

اما در مورد روایت پنجم چند نکته شایان توجه است:

اگر نمی از ازدواج موقت در جنگ خیبر بر او ثابت می شد، در مورد این موضوع ساکت نمی ماند؛ چرا که این کار، پنهان کردن حقیقت است و کاری زشت به شمار می آید.

اما شافعی خود بر این نظر است که تحریم ازدواج موقت در جنگ خیبر و از سوی پیامبر صلی الله علیه وآله بوده است.^۴

افزون بر این که این روایت از مالک نقل شده و او در کتاب الموطأ از زهری از عبدالله و حسن از پدرشان محمد بن حنفیه نقل می کند که حضرت علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ خیبر از ازدواج موقت منع نمودند.^۵

راویان اهل سنت و به بازی گرفتن متن حدیث خیبر

روشن شد که معتبرترین حدیث نزد اهل سنت در تحریم ازدواج موقت، روایاتی است که از امیر مؤمنان علی علیه السلام در جنگ خیبر روایت شده است. مهم ترین آن ها، روایتی است که زهری از دو فرزند محمد بن حنفیه از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می کند. بهتر است بدانیم که اهل سنت این حدیث را با متن های گوناگون نقل کرده اند.

۱ . جمع الزوائد: ۴ / ۴۸۷، کتاب نکاح، باب «نکاح المتعه»، حدیث ۷۳۹۱.

۲ . المنهاج، شرح صحیح مسلم: ۹ / ۱۵۴

۳ . فتح الباری: ۹ / ۲۰۹

۴ . زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۱۸۳

۵ . الموطأ: ۲ / ۵۴۲، کتاب نکاح، باب «نکاح المتعه»، حدیث ۴۱.

ابن تیمیّه می گوید: این حدیث را راویان معتبر در صحیح بخاری و مسلم و کتاب های دیگر از زهری از عبدالله و حسن دو فرزند محمد بن حنفیه از پدرشان و او از پدرش علی بن ابی طالب نقل می کند: علی علیه السلام به ابن عباس — که ازدواج موقت را جایز می دانست — فرمودند: تو مردی فراموش کار هستی. رسول خدا صلی الله علیه وآله ازدواج موقت با زنان و خوردن گوشت الاغ ها را در جنگ خبیث حرام نمودند.

بزرگان اسلام در عصر خویش هم چون سفیان بن عیینه و مالک بن انس و دیگر کسانی که مسلمانان به علم و عدالت و حافظ بودن آنان اتفاق نظر دارند، همگی این روایت را از زهری — به عنوان دانشمندترین و داناترین مرد زمانه نسبت به سنت پیامبر و دلسوزترین مردم بر حفظ این سنت — نقل کرده اند و علمای حدیث شناس در صحت این حدیث اتفاق نظر داشتند و آن را پذیرفته اند و هیچ کدام از اینان به این روایت خدشه وارد نکرده اند.^۱

در صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و مسند احمد به نقل از زهری این گونه آمده است: حسن بن محمد بن علی و برادرش عبدالله به نقل از پدرشان خبر دادند که حضرت علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: پیامبر صلی الله علیه وآله در جنگ خبیث از ازدواج موقت و خوردن گوشت الاغ منع نمود.

در صحیح مسلم آمده است: «شنیده شد که علی بن ابی طالب به فردی می گفت: تو مردی فراموش کار هستی». هم چنین در این کتاب این گونه آمده است: «امیرالمؤمنین علیه السلام خبردار شد که ابن عباس به ازدواج موقت معتقد است، از این رو به او گفت: ای ابن عباس! احتیاط کن».

نسائی نیز این گونه آورده است: حسن بن محمد بن علی و برادرش عبدالله از پدرشان نقل کردند که حضرت علی علیه السلام خبردار شد که مردی ازدواج موقت را بی اشکال می داند. به او فرمود: همانا که تو مردی فراموش کار هستی، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در نبرد خبیث مرا از این مسئله و از خوردن گوشت الاغ نهی نمودند.

در کتاب الموطأ نیز به نقل از علی بن ابی طالب علیهما السلام این گونه آمده است: منادی رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ خبیث حرام شدن ازدواج موقت را اعلام کرد.

شافعی نیز حدیث خبیث را نقل می کند، اما هنگامی که متوجه ایجاد اختلاف در امر ازدواج موقت می شود، در قبال این مسئله سکوت می نماید!

طبرانی این حدیث را به این شکل نقل می کند:

علی علیه السلام و ابن عباس درباره ازدواج موقت با زنان، بحث و گفت و گو می کردند، علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: تو مردی فراموش کار هستی، پیامبر در حجّة الوداع از ازدواج موقت منع نمود. بنابراین، طبرانی نیز این حدیث را نقل کرده؛ ولی حرمت متعه را در زمان حجّة الوداع قرار داده است.

چند نکته درباره دلالت حدیث خبیث

یکی از حدیث هایی که نقل شد، زمان تحریم ازدواج موقت را در جنگ خبیث دانست. متن و مفهوم این حدیث چند نکته را روشن می کند:

۱ . منهاج السنه: ۴ / ۱۸۹.

نخست آن که امیر مؤمنان علی علیه السلام به تحریم ازدواج موقت با زنان اعتقاد داشت؛ حتی به ابن عباس که به حلال بودن آن معتقد بود، فرمود: «تو مردی فراموش کار هستی».

این نسبت، دروغی بیش نیست؛ زیرا همه می دانند که امیر مؤمنان علی علیه السلام سرآمد مخالفان تحریم ازدواج موقت بود؛ هم چنان که در مخالفت با تحریم متعه حج نیز پیشگام بود.

اما ساختن روایات و نسبت دادن آن ها به آن حضرت شگفتی ندارد؛ همان گونه که در متعه حج نیز همین گونه عمل کرده اند... .

نقل این مسئله از طریق دو پسر محمد بن حنفیه از پدرشان از علی بن ابی طالب علیهما السلام نیز شگفتی ندارد... بیهقی روایتی را این گونه نقل می کند: عبدالله و حسن دو فرزند محمد بن علی از پدرشان از امیرالمؤمنین رضی الله عنه نقل می کنند که حضرتش فرمود:

يا بني! أفرد الحج، فإنه أفضل؛^۱

پسرم! حج (واجب) را جداگانه انجام بده که این گونه بهتر است.

دوم آن که تحریم ازدواج موقت با زنان در جنگ خبیر صورت پذیرفته است. حال آن که محدثان بزرگ آن را نادرست می دانند و تکذیب می کنند. اما در مقام توجیه آن سرگردان مانده اند.

ابن حجر عسقلانی در شرح صحیح بخاری از سهیلی این گونه نقل می کند: «خدشه ای به این روایت وارد است؛ چرا که طبق مفاد آن، ازدواج موقت با زنان در نبرد خبیر حرام شد، حال آن که هیچ يك از سیره نویسان و تاریخ نگاران چنین مسئله ای را ثبت نکرده اند».^۲

هم چنین عینی درباره این روایت می نویسد:

«ابن عبدالبرّ می گوید: روایت حرام شدن ازدواج موقت در نبرد خبیر نادرست است».^۳

قسطلانی نیز می نویسد: «بیهقی می گوید: این روایت برای سیره نگاران و تاریخ نویسان ناشناخته است».^۴ ابن قیّم نیز می گوید: یاران پیامبر در جنگ خبیر زن های یهودی را به ازدواج موقت خود در نیاوردند و در این مسئله از پیامبر کسب اجازه نکردند. از سوی دیگر هیچ کس در تاریخ جنگ خبیر، روایتی در این باره نیاورده است. در این جنگ نه درباره انجام ازدواج موقت و نه درباره حرام شدن آن سخنی به میان نیامده است.^۵

ابن کثیر می گوید: برخی دانشمندان تلاش کرده اند که روایت علی بن ابی طالب علیهما السلام را این گونه توجیه کنند که برخی عبارات این روایت پس و پیش شده است. شیخ حافظ ابو حجاج مزی به این برداشت از روایت گرایش دارد... با این حال ابن عباس از باور خود درباره مباح بودن گوشت الاغ و ازدواج موقت با زنان دست برنداشت.^۱

۱ . السنن الکبری، بیهقی: ۵ / ۸، کتاب حج باب «من اختار الأفراد ورآه أفضل»، حدیث ۸۸۱۸ .

۲ . فتح الباری: ۹ / ۲۱۰ .

۳ . عمدة القاری: ۷ / ۲۴۶ .

۴ . ارشاد الساری: ۱۱ / ۳۹۷، ۹ / ۲۳۲ .

۵ . زاد المعاد فی هدی خیر العباد: ۲ / ۱۸۴ .

سوم آن که دیدگاه ابن عباس در این مسئله با حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام متفاوت بود. این سخن از دید ما پذیرفته نیست؛ چرا که ابن عباس به ویژه در چنین مسائلی که از ضروریات دین مبین است، از حضرت علی علیه السلام پیروی می کرد.

با فرض پذیرش این دیدگاه، این پرسش به میان می آید که آیا می توان باور کرد که با وجود یادآوری حکم خدا و رسول او صلی الله علیه وآله از سوی حضرت علی علیه السلام، ابن عباس هم چنان بر باور خود پافشاری کند؟ به خدا سوگند که هرگز چنین نیست. به همین دلیل دروغ پردازان ناگزیر به ساخت احادیث جعلی در این مسئله روی آوردند. ابن تیمیّه می گوید: «ابن عباس روایت می کند: هنگامی که خبر نھی از ازدواج موقت به وی رسید از دیدگاه خود برگشت».^۱

اما این حرف دروغ است. برای اثبات نادرستی این گفتار، سخن ابن حجر عسقلانی را بازگو می کنیم. وی به نقل از ابن بطّال می گوید: «رویکردانی ابن عباس از دیدگاه خود، با روایاتی سست و ضعیف نقل شده است».^۲ به همین جهت ابن کثیر می گوید: «با این حال ابن عباس هم چنان بر مباح بودن ازدواج موقت ثابت قدم باقی ماند و نظر خود را تغییر نداد.

بله، ابن عباس تا آخرین لحظه از عمر خویش در مورد این مسئله نظر خود را تغییر نداد، هم چنان که برخی از بزرگان حدیث نگار اهل سنت نیز نقل کرده اند.

مسلم به نقل از عروة بن زبیر می گوید: عبدالله بن زبیر در مکه برخاست و گفت: عده ای که خدا آنان را کوردل قرار داده — هم چنان که دیده جسم آنان نیز کور است — به جواز ازدواج موقت فتوا می دهند. آن مرد به او گفت: همانا تو نادان و بی خرد هستی. به جانم سوگند که ازدواج موقت در زمان پیشوای پرهیزکاران — رسول خدا صلی الله علیه وآله — انجام می شد.

ابن زبیر گفت: اگر شهادت داری برو ازدواج موقت کن؛ به خدا سوگند اگر چنین کنی، سنگسارت می نمایم.^۳ مخاطب سخن ابن زبیر، پسر عموی حضرت علی علیه السلام یعنی ابن عباس بود. وی در آن زمان نابینا شده بود. به همین دلیل به او گفت: خداوند همان گونه که چشم هایشان را کور کرده، دل هایشان را نیز کور نموده است. در روایاتی که مسلم نیشابوری و احمد بن حنبل از ابی نضره نقل کرده اند، نام ابن عباس آشکارا ذکر شده است. با این روایت مشخص می شود که ابن عباس در مکه و زمان ابن زبیر چه دیدگاهی نسبت به ازدواج موقت با زنان داشت.

روشن است که وی همواره در جواز ازدواج موقت سخن می گفته است؛ همان گونه که می دانیم فقهای مکه نیز پیرو دیدگاه ابن عباس بوده اند.

۱ . تاریخ ابن کثیر: ۴ / ۲۲۰.

۲ . منهاج السنه: ۴ / ۱۹۰.

۳ . فتح الباری: ۹ / ۲۱۶.

۴ . صحیح مسلم: ۳ / ۱۹۷، کتاب نکاح، باب «نکاح المتعه»، ذیل حدیث ۱۴۰۶.

از سوی دیگر روشن است که اگر رسول خدا صلی الله علیه وآله ازدواج موقت را حرام کرده بود و حضرت علی علیه السلام حکم آن را به ابن عباس رسانده بود، در این صورت بی تردید، نسبت دادن مخالفت با خدا، رسول و وصی ایشان، به ابن عباس نارواست.

چند نکته پیرامون روایت های نقل شده از حضرت علی علیه السلام

روشن شد که روایات متناقضی که در حرام شدن ازدواج موقت توسط رسول خدا صلی الله علیه وآله از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل کرده اند همگی دارای يك سند هستند. همه این روایات را زهری از پسران محمد بن حنفیه و او نیز به نقل از پدرش روایت کرده است.

از سوی دیگر حسن بن محمد از سلمة بن اکوع و جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نزد ما آمد و به ما اجازه ازدواج موقت با زنان را داد.

این روایت دلالت دارد که این دو فرزند محمد حنفیه به جواز ازدواج موقت باور داشتند؛ چرا که معقول نیست فردی از دو تن از صحابه رسول خدا صلی الله علیه وآله حلال بودن ازدواج موقت را نقل کند، اما خبر نسخ این حکم را از آنان نقل نکند.

هم چنین معقول نیست که روایت حلال بودن ازدواج موقت را نقل کند، اما از نسخ آن توسط رسول خدا صلی الله علیه وآله آگاه نشده باشد.

بنابراین، با چشم پوشی از دلالت روایت فوق و از آن چه در شرح حال عبدالله و حسن، فرزندان محمد بن حنفیه آورده اند و هم چنین با چشم پوشی از تناقض و تعارض میان این روایات نسبت داده شده به حضرت علی علیه السلام باید توجه داشت که محور روایان این احادیث فردی به نام زهری است. به همین دلیل شایسته است با شرح حال زهری آشنا شویم.

زهری راوی دروغین و نگاهی به شرح حال او

اینک گزیده ای از شرح حال زهری که راوی اصلی احادیث متناقض و متعارض درباره حرام بودن ازدواج موقت از حضرت علی علیه السلام است، می آوریم:

۱. زهری از معروف ترین افرادی بود که با امیر مؤمنان علی علیه السلام ساز مخالفت می زد. وی با عروة بن زبیر هم نشین می شد و از حضرت علی علیه السلام بدگویی می کردند.

۲. او از عمر بن سعد بن ابی وقاص، قاتل امام حسین علیه السلام روایت نقل می کرد.

۳. او از دست نشانده ها و مزدوران امویان بود. دانشمندان برجسته به این دلیل بر او خرده گرفته و او را نکوهش کرده اند.

۴. امام یحیی بن معین به هنگام مقایسه زهری با اعمش به شخصیت وی خدشه وارد می کند.

۵. امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام با نوشتن نامه ای او را به خاطر حضور در دربار ستمکاران نکوهش و سرزنش می کند. اما این پندها در او کارساز نبود.^۱

نتیجه بحث در ازدواج موقت

اکنون نتیجه این بحث را در چند بند خلاصه می کنیم:

۱. طبق قرآن، سنت و اجماع، ازدواج موقت یکی از احکام ضروری اسلام بوده و مسلمانان در سخن و عمل بر این عقیده بوده اند.

۲. عمر بن خطاب پس از گذشت پاسی از خلافت خود آن را حرام کرد.

۳. اهل سنت پس از اعتراف به این دو مسئله به اختلاف افتاده و برای توجیه کار عمر، سرگردان شدند. برخی گفتند: حرام شدن ازدواج موقت، از سوی پیامبر صلی الله علیه وآله صورت پذیرفته است و به جز عمر هیچ کس از این مسئله آگاه نشده است. این مسئله باطل و نادرست است.

برخی دیگر گفتند: حرام شدن ازدواج موقت از جانب خود عمر بود. اما باید از حکم وی پیروی کرد؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه وآله فرموده اند: «از سنت من و سنت خلفای راشدین پیروی کنید».

ما درباره این روایت به طور جداگانه بحث کرده ایم و باطل بودن آن را به اثبات رسانده ایم.^۲

برخی نیز گفتند: شخص پیامبر صلی الله علیه وآله ازدواج موقت را حرام نموده اند.

پیروان این دیدگاه در تعیین زمان و مکان این مسئله دچار اختلاف شده اند و به پاره ای از احادیث استناد کرده اند که همه این احادیث ساختگی هستند.

۴. حلال بودن ازدواج موقت به عنوان یکی از احکام اسلام و ساختگی بودن احادیث نقل شده از پیامبر صلی الله علیه وآله درباره حرمت آن روشن شد.

با توجه به این مسئله و نیز با روشن شدن نادرستی روایت نسبت داده شده به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله که دلالت بر لزوم پیروی از سنت عمر دارد،^۳ به این نتیجه می رسیم که حرام شدن ازدواج موقت از سوی عمر چیزی جز بدعت نیست؛ امری که رسول گرامی صلی الله علیه وآله از آن نفی کرده اند و فرموده اند:

إياكم ومحدثات الأمور...؛

از امور نوپیدا و بدعت گذاری ها بپرهیزید.

۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر.ک: چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا صلی الله علیه وآله: ص ۶۱ — ۶۶ از سلسله پژوهش های اعتقادی، از همین نگارنده.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: سنت پیامبر یا سنت خلفا؟! شماره ۲۳ از سلسله پژوهش های اعتقادی، از همین نگارنده.

۳. برای آگاهی بیشتر از این روایت ر.ک: حدیث اقتدا به شیخین در ترازوی نقد، شماره ۸ از سلسله پژوهش های اعتقادی، از همین نگارنده.

آن چه در این نوشتار آمده بر پایه پژوهش و بررسی کوتاه پیرامون احادیث، دیدگاه‌ها و اقوال مطرح شده درباره حکم دو متعه (یعنی متعه حیج و ازدواج موقت) بود. هر چند این موضوع ابعاد گوناگون دیگری دارد که پژوهش‌گران فقیه و متکلم در کتاب‌های خود به تفصیل بررسی کرده‌اند.

از خداوند مَنان خواستاریم که ما را در یافتن حق و پیروی از آن یاری نماید و تلاش‌های ما را به درگاه خویش خالص گرداند. هم‌چنین از خدا می‌خواهیم ما را با حضرت محمد صلی الله علیه وآله و خاندان پاک و پیروان حقیقی‌اش محشور فرماید، به راستی که او مهربان و بخشایش‌گر است.

كتاب نامه

١. قرآن كريم.

الف

٢. أحكام القرآن: ابن العربي مالكي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، سال ١٤١٦.
٣. إرشاد الساري: احمد بن محمد بن ابو بكر قسطلاني، دار احياء التراث العربي، بيروت.
٤. الإستيعاب في معرفة الأصحاب: ابن عبد البر، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٥.
٥. الإصابه في تمييز الصحابه: ابن حجر عسقلاني، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٥.

ب

٦. بداية المجتهد: محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن رشد قرطبي اندلسي، دار الفكر، بيروت، لبنان.
٧. البداية والنهايه (تاريخ ابن كثير): حافظ ابي الفداء اسماعيل بن كثير دمشقي، دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤٠٨.

ت

٨. تاج العروس: زبيدي، دار مكتبة الحياة، بيروت، لبنان.
٩. تاريخ الخلفاء: جلال الدين سيوطي، منشورات شريف رضی، قم، ايران، چاپ يكم، سال ١٤١١.
١٠. تاريخ طبري (تاريخ الأمم والملوك): ابو جعفر محمد بن جرير طبري، مؤسسه اعلمي، بيروت، لبنان.
١١. تذكرة الحفاظ: ذهبي، دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان.
١٢. تفسير ابن كثير (تفسير القرآن العظيم): ابن كثير، دار المعرفه، بيروت، چاپ سوم، سال ١٤٠٩.
١٣. التفسير الكبير: فخر رازی، دار الفكر، بيروت، لبنان، سال ١٤١٥ و دار احياء التراث العربي، بيروت، چاپ سوم.
١٤. تفسير طبري (جامع البيان في تفسير القرآن): محمد بن جرير طبري، دار المعرفه، بيروت، سال ١٤١٢.
١٥. تفسير فخر رازی (تفسير الكبير): امام فخر رازی، دار احياء التراث العربي، بيروت، چاپ سوم.
١٦. تفسير قرطبي (الجامع لأحكام القرآن): محمد بن احمد انصاري قرطبي، دار احياء التراث العربي، افسست از چاپ دوم.
١٧. التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد: ابن عبد البر قرطبي، دار الفاروق الحديثه، قاهره، مصر، چاپ يكم، سال ١٤٢٠.
١٨. تهذيب التهذيب: ابن حجر عسقلاني، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٥.

ج

١٩. چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا: سيد علی حسين ميلاني، مرکز حقايق اسلامي، قم، چاپ يكم، سال ١٣٨٧ ش.

د

٢٠. الدر المنثور في التفسير بالمأثور: جلال الدين سيوطي، دار الكتب علميه، بيروت، چاپ يكم، سال ١٤٢١.

ز

٢١. زاد المعاد في هدى خير العباد: ابن قيم جوزي، مؤسسه الرساله، بيروت، سال ١٤٠٨.

س

٢٢. سنت پیامبر یا سنت خلفاء؟! : سيد علی حسين ميلاني، مرکز حقايق اسلامي، چاپ يكم، سال ١٣٨٩ ش.
٢٣. سنن ابی داوود: ابی داوود، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٦.
٢٤. السنن الكبرى: احمد بن حسين بيهقي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ١٤١٤.

٢٥. السنن الكبرى: احمد بن شعيب نسائي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، سال ١٤١١.
٢٦. سنن ترمذى: محمد بن عيسى بن سوره ترمذى، دار الفكر، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ١٤٠٣.

ش

٢٧. شرح التجريد: ملا على قوشجى اشعري.
٢٨. شرح معاني الآثار: احمد بن محمد بن سلمة بن عبدالمملك ازدي طحاوى حنفي.

ص

٢٩. صحيح بخارى: محمد بن اسماعيل بخارى، دار ابن كثير، دمشق، بيروت، بمامه، چاپ پنجم، سال ١٤١٤ و دار الفكر، بيروت، سال ١٤٠١.

٣٠. صحيح مسلم: مسلم بن حجاج نيشابورى، مؤسسه عز الدين و دار الفكر، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤٠٧.

ط

٣١. طبقات الحفاظ: جلال الدين سيوطى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ١٤١٤.

ع

٣٢. عمدة القارى فى شرح البخارى: بدر الدين عيني، دار الفكر، و دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان.

ف

٣٣. فتح البارى فى شرح صحيح البخارى: ابن حجر عسقلانى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٠.

ك

٣٤. الكشاف: جارالله محمود بن عمر زمخشري، دار الكتب علميه، بيروت، چاپ يكم، سال ١٤١٥.

٣٥. كتر العمال: علاء الدين على متقى هندی، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٩.

م

٣٦. المبسوط فى الفقه الحنفيه: شمس الدين سرخسى، دار المعرفه، بيروت، سال ١٤٠٦.

٣٧. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: نورالدين على بن ابى بكر هيثمى، دار الفكر، بيروت، لبنان، سال ١٤١٢.

٣٨. المحلى: ابو محمد ابن حزم ظاهرى اندلسى، دار الفكر، بيروت، لبنان.

٣٩. مسند احمد: احمد بن حنبل شيبانى، دار احياء التراث العربى و دار صادر، بيروت، لبنان، چاپ سوم، سال ١٤١٥.

٤٠. المصنف: عبدالرزاق صنعانى، مكتب الإسلامى، بيروت، لبنان، سال ١٤٠٣.

٤١. المغنى: ابو محمد عبدالله بن احمد بن محمد ابن قدامه، دار الكتاب العربى، بيروت، لبنان.

٤٢. منهاج السنه النبويه: ابن تيميه حرانى، مكتبة ابن تيميه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ١٤٠٩.

٤٣. المنهاج فى شرح صحيح مسلم بن حجاج: يوسف بن عبدالرحمان مزى.

٤٤. المنهاج: يحيى بن شرف دمشقى شافعى نووى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ١٤١٥.

٤٥. الموطأ: مالك بن انس، دار احياء التراث العربى، بيروت، لبنان، سال ١٤٠٦.

ن

٤٦. النهاية فى غريب الحديث: ابن اثير جزرى، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، سال ١٤١٨.

و

٤٧. وفيات الأعيان: شمس الدين احمد بن محمد بن خلّكان، دار صادر، بيروت، لبنان.

Series of Theological researches

(26)

***Prohibition of
two Lawful Sentences***

*The study and critique of Prohibition Sentence of
Pilgrimage temporary marriage and the temporary marriage*

Ayatollah Seyed Ali Hosseini Milani